

گفت یافت نظیر کعب بود	سال تاریخ آن رحمت
قطعه تاریخ رحلت سید ادریس سنزنی رحمه الله تعالی	
افتاب اوج والا منصب سال فوتش گفت ای و منصف	بود شیخ وقت سید غریب شد نغان در مغرب گور و فلک
قطعه تاریخ رحلت حکیم شاه مظفر حسین قدس سره واقع روز چهارشنبه سیزدهم ربیع الآخر سنه ۱۲۴۱ هجری	
الذی کان اسمه مظفر حسین جَنَّةَ الْمَأْوِیَّاتِ وَابِلَیْبِ وَمِیْنِ اسقط الاثنین عن مظفر حسین	عارف بالله فان فی الاحد حل بعد النقل من دار الفنا ان اردت الکشف عن تاریخه
قطعه آخری	
گر گنجه پاک بود دامن او رشک خورشید را می روشن او جان پاکش جدا شد از تن او جلوه طور خاک مدفن او جنت خلد با او سکن او	شاه مظفر حسین دین پرور چون بسجا طیب روح و جسد چارشنبه ز آخرین ربیع سید پادشاهی رحمن گفت سال وفات او حسرت

تاریخ تولد علامه محی الدین عرف نور الحق پسر شاه عطاء الله صاحب  
واقع چهارم جمادی الاولی روز جمعه وقت آخر ظهر

پسر چند بخت بلند	زاد در خانه عطا الله
نام کردش علامه محی الدین	پدرش کوهزاه حق آگاه
سال میلاد آن هجرت سیر	نامش آمد بضم والاباه

تاریخ رحلت حکیم ابوالحسن صاحب واقع شب و شبینه پانزدهم جمادی الاولی

بوالحسن کان باذن الموتی	بیتری الاکمه بحی الموتی
صار لا ینفعه کل دواء	اذ قضی الله علیه الفوت
هتف الهاتقن فی رحلته	عامه ذاق طبیب موت

قطعه فارسیه

کرد رحلت ابوالحسن جهان	روی روشن تیره خاک نخت
بود در فن طب یگانه عصر	هم باشعار در معنی سفت
و ده که از مرگ آن سیج زمان	خاطر عالمی ز غم آشفست
عقل تاریخ و ماه و سال رحل	پانزده شب جماد الاخری گفت

تاریخ از و واج شاه محمد مجیبی صاحب متخلص سیی سلمه الله تعالی

<p>خلف الرشید و بعد قدس سر</p>	
<p>شاه سبکی که در عهدت سن تجد گشت با کرمه قوم چون نمودم سوال از تاریخ</p>	<p>بر سرش تاج فقر بنهادند زین طرب جمله دوستان شدند شادی و خوشبختی نشان آوند</p>
<p>ایضا</p>	
<p>تاریخ ازدواج بچی از عقل جستم تاریخ مراجعت مولوی سعید صاحب بلکنوا از سفر حرمین شرفین ششم رجب</p>	
<p>امروز رموز دان انواع علوم سوی حرمین رفت منوش باز آمد پرسید از سعید تاریخ رجوع</p>	<p>سعید بنی نظیر باشد لا غیر چون ماه که نور سیف اند در سیر خندان شد و گفت قدر عصابا بخیر</p>
<p>قطعه تاریخ آغاز فقیر در سن بخاری شریف لغره محرم روز جمعه توفیق خدا در سن بخاری کرده انعام شد بمصر که گفت در دعای تاریخ آنجا</p>	
<p>بیای علی طالب علم حدیث و کسب این فن ببین او خدا یار و زیم انجام کن</p>	
<p>قطعه آخری</p>	

از سخاوتها و ثبات کنون نذر هیچ کس	جوشن خود کرده ام در بخاری و هفت
گفت ای جان منافع کجاست از عا در سن	خواستم سال شروع این کتاب استطاب

قطعه تاریخ رحلت سر امر حضرت مولوی عبدالکریم او خلد الله النعیم و الله  
 بست و ششم و ز چهارشنبه اول صبح ششم

در جوانی کرد رحلت مولوی عبدالکریم	چهارشنبه بیستم صفر است و ششم
راح فرخورد و ولدان و جنات نعیم	از سر الهام حضرت گفت سال طلعتش

قطعه آخری

بجانم از زمین و آسمانش	دل تنگ آید از دنیای فانی
نیبوئی از بقا و ربوبتانش	نه در گلهای او رنگ ثباتی
بغارت برد آسب خزانیش	بهم جان تو گلی رو کرد خندان
که برق آتش تزد در آشیانش	کجا بلبل زین باغ آشیان است
که چون گل رفت با بر مهرانش	نتالدول چنان چون بلبل زنا
اجل بر سر درآمد ناگهانش	فضیلت تربت عبد الکریم آه
در ایام جوانی از جهانیش	قضا و احسرتا سوی جهان برد
که زیب خلد شد سرور و نش	جوانی بود در عیاض صدف

<p>که پید بود از حسن بیانش          ندیدم همسر او در زبانش          ر بود از بزم دنیا نو جوانش          که بادا گلشن حننت مکانش          ۱۲۴۴</p>	<p>چگونه از دکار و لطف طبعش          بعلم و حلم و عقل و فهم و طنت          چون نقد بر الحی قصه کوتاه          بحسرت گفت تا تف سال حلت</p>
---	---

قطعه دیگر

<p>دیده ام از گر پیشها نخت          زیرینش فلک و ن نخت          صد هم از بیت و شرم بود گفت          ۱۲۴۲</p>	<p>واصل حق گشت چو عبد الکریم          کنج علوم و خرد و هوشش بود          ماه صفر بود و در لم سال حمت</p>
--	--

قطعه دیگر

<p>بشام تیره روز شد بدن صبح امید ما          عزیز با تمیز ما و طلب ز بعد ما          بلوح تریش صد حیف شاگرد شیدا          ۱۲۴۲</p>	<p>در بغا حسرتا که کردش ایام نافر جام          جوان عبد الکریم از در دنیا کرد حلت آه          ز خون دل رقم زد سال نوشتن خاست</p>
--	--

قطعه تاریخ رحلت خواجه سلطان جهان آقعه سبت دوم ربیع الاول  
 روز یکشنبه ۱۲۴۲ هجری

<p>چون ازین دار رنج و محنت شد</p>	<p>خواجه سلطان جان بیاغ جستان</p>
-----------------------------------	-----------------------------------

<p>خواجہ سلطان جان بخت شد</p>	<p>سال فونش خرد بخت گفت</p>
<p>قطعه تاریخ مسجد بنا کرده مولوی ارادت اللہ صاحب پسر مولوی عماد الدین صاحب</p>	
<p>کہ خانہ اش کنڈا نیر و بنا بیلغ بخت بلند بخت والا ترا دو پاک بخت خنگ ہر آنکہ درین دھرم بخت پارض ہند بنا کعبہ نما د نوشت</p>	<p>بنامی مسجد و باغ و مکان و چاہ نما کسیکہ نام نکویش ارادت اللہ بخت جو اول انجہ بکاری دژو کنی آخر ز بھر سال نما د بیکلک سعید</p>
<p>قطعه آخری</p>	
<p>کہ چو توفیق الہی امداد مسجد زیبای نجستہ بنیاد</p>	<p>یافت بنا مسجد عالیست گفت سر و شرم نہ تعمیرش</p>
<p>تاریخ ازدواج برادر زادہ امجد امین سلمہ اللہ تعالیٰ</p>	
<p>برگ عشرت و ساز طرب شنب جمع زواج سادس شہر جب شنب جمع</p>	<p>شد ازدواج محمد امین بخت رئیس قلم بصورت و معنی نوشت تاریخش</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی علی حسین صاحب واقعہ بست و پنجم رجب آخر شرب چہار شنبہ ۱۲۶۲ ہجری</p>	

<p>سید علی حسین بفر دوس کرد و سال وفات گفت لم داغ مرگ او</p>	<p>در فاکه حاجی حسرتین مشرفین چون داغ مرگ او بدلمنذ لاله</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی عبدالغنی قدس سره واقع بیست و چهارم شعبان و ز چهارشنبه ۱۲۶۲ هجری</p>	
<p>کز و باغ جبار ابو در و نوح دل از غم شد چون منقار قلم شوق کز و علم و عمل گردید مشتاق ازین طوفان سلامت بر و نوح برون زد خیمه از نه چرخ ازرق سقی گشت راجع سوی مطلق ملک گفتا بر و چشم رحمت حق</p>	<p>جناب مولوی عبدالغنی جیف چو رحلت کرد سوی عالم قدس و جودش بود گویا مصدر خیر بباد شکر طه توفیق چون نوح وز آن خوشش مع الله کرد منزل بدریا قطره و اصل گشت و گم شد چو بستم سال تاریخ وفاتش</p>
<p>قطعه کهنیت شادی و لاوت با سعادت خواجه محمد میر سید صفا حسین عرف میر مرزا همیشه زاده خواجه احمد حسین صاحب علم الهی تعالی</p>	
<p>صرا نچه بی طلبیدیم از حسن ما بدعا دمیده ناز گلگی در ریاض نشو و نما</p>	<p>مزارش که آمد برون ز پرده غیب نمود ماه نوی از آسمان کون و وجود</p>

بلند مرتبه احمد حسین عالیقدر  
 مراد حضرت نیردان مرید و جبرائیل  
 بلطف حضرت مولی عالمی بدست آورد  
 کنون در حرف زبانش پیروزان گویم  
 بدینش آمده صفدر حسین استغفرش  
 ز فضل خالق ارض سما ساعت بعد  
 نهاد نام بلندش فلک محمد میر  
 ستان بدخشد و میر مجلس شد  
 سر و شغیب نواز دلسال مولد او

که خواجه امرا هست و خادم فقرا  
 معین طالب مولی محب اهل صفا  
 بحسن خلق جهانی مستحسن او را  
 که رفت بر روش خال او مهر وفا  
 چنانکه شد لقبش خواجه میر با مرزا  
 بخانه اش سپری همچو ماه شد پیدا  
 خدش علم و عمل بخشد و حیات و بقا  
 شد اینمقوله حافظشان او بریا  
 طلوع نیر برج شرف با وج عدل

تاریخ رحلت مولوی شاه عماد الدین صاحب خلیفه حضرت شاه  
 حسنعلی قدس سرهما

چو مولانا عماد الدین متاع جان بخش داد  
 رقم زد خاتمه تاریخش ستون بن برافرا

قطعه تاریخ ترتیب مکاتبات حضرت استادنا و مولانا شاه  
 سلامت اند قدس سر

از سخنان روزگار است	ذات ملکی صفات کشف
---------------------	-------------------

تاریخ رحلت مولوی شاه  
 کاتبان مولانا  
 دست پیاپی  
 جمع شده  
 و از لغت اجتناب  
 لایق تقدیر است



<p>قائم همه مایذات کشف          بیند مصنفات کشف          خواهم بد عا حیات کشف          گوئی قلم و دوات کشف          تا فهم کنی نکات کشف          نبذی ز مفاد ضات کشف          دل گفت بر کاتبات کشف</p>	<p>علم و عمل و فضیلت و زهد          خواهد بود قوت بر علوش          دفتر صبح و مساز خفتعالی          هر چشمه آب زندگانی است          طبعی برسان لطیف نازک          بودست سوگینه حسرت          چون شد مجموع سال تزیب</p>
<p>رباعی شتملبه تاریخ تولد دختر مولوی فدا حسین صاحب          برادر نسبتی شاه محمد یحیی صاحب</p>	
<p>بخشید چو دختر سعادت تو ام          فرمود پدر که دختر زیبایم</p>	<p>ایزد بفا حسین از لطف و کرم          هنگام ولادتش ز بجز تاریخ</p>
<p>قطعه تاریخ تولد دختر نیک اختر شاه محمد یحیی صاحب متخلص          بیچین و واقع بست و پنج هم جباری الاولی سلمه الله تعالی</p>	
<p>از سخن سنجان و معنی پروران          بالطبی با و از نیک اختران</p>	<p>شاه ملک فقر و دین یحیی که هست          را و زیبا دختری در خانه اش</p>

سال میلادش جو رسیدم سعید	پیر عظم گفت زیب و خست در آن ۱۲۶۳
قطعه تاریخ مسجد تعمیر کرده میر فرحت علی صاحب بکوجه صد	
بنا مسجد کے کرد فرحت علی	شدا و را جو توفیق نعم الرزوق
بسال عمارت نداد و سرشوش	کہ طوبی للار حکیت عتیق ۱۲۶۴
قطعه تاریخ تعمیر مسجد چودہری واحد علی صاحب	
ساخت واحد علی لوجه اللہ	مسجد بی نظیر و سبے مانند
گفت سال عمارتش ہاتف	انھا کعبۃ لارض الہند
قطعات تاریخ رحلت سرسمر حضرت جناب والد ماجد غشی واعظ علی غفر اللہ لہ ولی واقعہ دوازم رمضان روز سہ شنبہ وقت فجر ۱۲۶۴ ہجری	
چون پدرم حضرت واعظ علی	رفت گلگشت جان چون سیم
بر در فردوس بتاریخ گفت	خازن جنت للعاج عظیم ۱۲۰۴
دیگر	
واعظ علی آن بلند ہمت	کش مثل درین زمانہ کم بود
در حلم و وقار بود کوسے	در باب سخاوت و کرم بود

<p>در پرده دولت و حشم بود شهر منده حسن آن رقم بود سلطان قلم و قلم بود از خوبی نظم او بجم بود مشتاق طوائف او حرم بود روز رحلت چه روز غم بود ماه رمضان سپیده دوم بود ۱۲۶۳</p>	<p>بیدار دسلی که خواجه فقر جادورستی که خط خوبان تقلیم خطوط در کف او صاحب رانی که دین و دنیا آن حاجی با صفا که دایم لبیک بد اخی اجل گفت سال و مه و وقت حلت او</p>
دیگر	
<p>بسوی جنت برین نمود از جهان سفر نوشت سال حلتش غم جدای پدید ۱۲۶۳</p>	<p>پنجاهمین خزین حکم رب عالمین دلگ باشک سرخ بریاغس روز زمین</p>
قطعه دیگر	
<p>زین عالم فانی شده در عالم دیگر ز آنرو شده تاریخ وفاتش غم دیگر ۱۲۶۳</p>	<p>افسوس که واعظ علی پاک طبیعت بودست از صرع غم فوتش چو قوتیر</p>
هم مصرع قطع هست تاریخ	
<p>زیندار فنا چو کمر در حلت ۱۲۶۳</p>	<p>حاجی واعظ علی استس ۱۲۶۳</p>

<p>شنبه و یوم سوم و رحمت ۱۲۶۳ مغویا و ایجتد ابجت ۱۲۶۳</p>	<p>ثانی عشر و سید و دم بود ۱۲۶۳ مصر عام دان پی فوت ۱۲۶۳</p>	<p>قطعه دیگر</p>
<p>شد سوی خلد برن چون بشکر گفت دل آه غم بی پری ۱۲۶۳</p>	<p>والدین عفرانه له سال ایجا دته جان فرسا</p>	
<p>قطعه تاریخ تعمیر مسجد مولوی امیر اسحق صاحب</p>		
<p>که وصف است از نظم زیاده بنای پنجه با وسعت نخاده عبادتخانه حق زیب داده</p>	<p>چو مولانا امیر اسحق والدین بجای مسجد خام از سر نو رقم و خامه تاریخ عمارت</p>	
<p>قطعه تاریخ رحلت خواجه احمد حسین مغفور که آزاد و شمس میرت و در محفل نشاط بایونند لال ناگاه جان بحق تسلیم کرد</p>		
<p>بسیر خیرت از برم جهان غم بجنت آه رفت آزاد زین بر ۱۲۶۵</p>	<p>چو کرد احمد حسین صدوق مشرب رقم حسرت دخت تاریخ</p>	<p>قطعه دیگر</p>
<p>سبک و طایه از دنیا در بجا</p>	<p>چو رفت احمد حسین آن صاحب خیر</p>	

ندارد آه و او پلادینا ۱۲۰۵	پی سال و فانش با تعجب
قطعه نثری	
روی خود ناگه ز چشم ما خفت از چه روی یارب ز بر خاک خفت آه آه از ارتحال خواجه گفت ۱۲۰۵	خواجہ نیکو خصال احمد حسین آنکه زیب محفل احباب بود حسرت دلخسته سال حلتش
تضمین ماده مرقومہ بطور دیگر	
کرد رحلت ازین جهان ناگام آه از ارتحال خواجه آه ۱۲۰۵	خواجہ احمد حسین نیک خصال گفت تاریخ رحلتش حسرت
قطعه تاریخ تزویج ثانی مولوی عبدالحمید صاحب پسر مولوی احمد صاحب	
که علم و هنر باشدش خاندانے ازین دار فانی بعد جو اسنے بعد عشرت و شادی کامرانے سبارک بوی باد تزویج ثانیے ۱۲۰۵	جوان حسد مند عبد الحمید پوشد فرد از رحلت زوج اولے پدر داد بار و گراز دو آبش دعا گور رقم کرد تاریخ شادی
قطعه تاریخ وفات بابو چینی لال	

<p>بودست ز نهود ریشی پراز حسن کین آسمان شکست چنین لعل بی بها</p>	<p>وا حسرتا که چندی لال از جهان گذشت شد حساب مصرع تاریخ فوت او</p>
<p>تاریخ رحلت شیخ امداد علی مرحوم مخفور</p>	
<p>اگر امروز ترا مال بود منبر و اگو عمر کو ماه ترا خواجہ بہت اما کو نبود هیچ سفر کردہ چنین تنہا کو انکہ گذشتہ و نگذاشتہ این دنیا کو شیخ امداد علی صاحب مال اما کو</p>	<p>ایکے بر دولت دنیا ہی دنی بیازی جمع اسباب تنعم کنی از طول امل آدمی ز او در ان روز کہ میر و بیجات منعم بود درین شہر کہ باد انخفوز ہاتف غیب ندا کرد بسال فوتش</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت جا رہی شہ فقیر واقع بہت و پیرم سے القعدہ روز دوشنبہ بعد مغرب ۱۲۷۲ ہجری</p>	
<p>کہ آوردم بچند از جسدہ اورا دروان دل مقامش چون سویدا سوادش چون سواد دیدہ زیبا نگار عنبرین روسے دل آرا ہی افزو و نور دیدہ ما</p>	<p>کنیزے داشتہ صاحب تمیزے قدش سر و یکہ از خاک حبش خاست بتی سرخیل سبزان سببہ فام ز سزای ضمن آہوی مشکین سر پایش بسان مردم چشم</p>

<p>بسلمی بود ازین معنی مسلمان ز دنیا برد او را سوی عجبستی بفضل خود مقام او حن دریا ندا آمد بخت رفت سلسله</p>	<p>سلیم الطبع و سالم از معائب باجل ناگاه آمد بر سر او بکن در زمره حوران جنت ز یافت از پی سال وفاتش</p>
<p>قطعه آخری</p>	
<p>زیست بی او بود از بختی من ز درم حیف سیه بختی من</p>	<p>آن کنیز حبشی مرد افسوس حسرت سوخته دل تا بخشش</p>
<p>غزل</p>	
<p>که نیست چاره ز تقدیر خالق افلاک تو نیز سر برکش ای مهر قامت چاک چنانکه یاد تو یکدم ز خاطر غمناک ولی امید که گردد وصال تو نریاک اگر رویم بخت ز فضل از دید پاک سقا اللطیف یا منظر لطفه مشکاک</p>	<p>با اختیار ز کرم ترا بر رخاک بر آورند گل و لاله سر ز بر زمین خیال تو زود هیچکس ز چشم نرم اگر چه ز هر فراق تو کار کرد بجان وصال نیست پس از مرگ امید حسرت یا نوشت سال وفات تو خامه بدل جان</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی سید خیرات علی مرحوم واقعه سنه ۱۲۰۵</p>	

<p>در علم و ہنر و رسی بگمانہ سوی دار البقا روانہ او یافت بہشت جاودا ۱۲۵۱</p>	<p>خیرات علی رئیس وسید چون گشت ازین سلسلہ فانی مانف سئہ وفات فرمود</p>
رباعی	
<p>فرمود بسیر گشتن جنت میل تاریخ وفات نام او شد سئہ میل</p>	<p>خیرات علی شریف قوم و خیل را ازو کہ بجزمت علی یافت نجات</p>
قطعه تاریخ رحلت مولوی واجد علی بنارسی لکھنوی غفر اللہ لہ	
<p>در علوم متعارف استاد داشت در کتب جملہ یاد اہل تحصیل ازو خاطر شاہ رفت زین منزل حسرت بنیاد روز آونہ درین اجازت جای در جنت جاوید یاد نازل زوضہ علیین باد ۱۲۵۶</p>	<p>عالم با عمل خوش اخلاق بود واجد علیش اسم شریف طالبان یافتہ تکمیل ازوی در غریبی بہمت نام چہ پسرہ بست و سوم زریع الاول ایزد پاک ز رحمت اورا گفت تاریخ وفاتش حسرت</p>
قطعه تاریخ رحلت خواجہ عبدالعلینان صاحب واقع شب	



دوشنبه نهم جمادی الاولیٰ ۱۲۳۸ هجری

رئیس خواجگان عبدالعلی خان سر عمر در از خویش شدن کرد چو رحلت زینجان فرمود برخاست چو کردم فکر روز و ماه و سالش گویا آه و صنم اول	مخال باغ تائب و متن بزد و طاعت سوسه آفتاب زهر دل شور و او با درینا بمن فرمود پس عقل دانا شب دوشنبه و شنبه و سه
--	--

تاریخ وفات جناب جناب شاه احمد سعید قدس سره درین  
طیبه دوم ربیع الاول روز سه شنبه ۱۲۳۹ هجری

عارفها اسرار حق احمد سعید داشت بدلی قدم استوا خانقہ طیبه از فیض او بر اثر شاه غلام علی امر معروف نمودنی حلق بعد از آن کز ستم اهل ستم رفت بسوی حرین شریف	بادشہ مملکت معرفت با دم جان بخش سبحا صفات مہبط انوار و ملک منزلت کرده سلوک ره وحدانیت نهی عن المنکر و المعصیت شهر در آمد بعجب تھلکت بود در این اکنہ با ما نیت
---	---

تاریخ وفات جناب جناب شاه احمد سعید قدس سره درین  
طیبه دوم ربیع الاول روز سه شنبه ۱۲۳۹ هجری

<p>گشت و آن سو جان عاقبت غلقه افکند نگو آخرت ۱۲۴۴</p>	<p>در بلد طیبه مصطفی باتف غیبی پے تاریخ کو</p>
<p>رباعی</p>	
<p>رحلت فرمود یافت در غلد محل کوسه شنبه شهر ربیع الاول ۱۲۴۴</p>	<p>چون شاه احمد سعید بخش کمل پرسد اگر سال وفاتش حضرت</p>
<p>تاریخ وفات حسین علی شاه واقع دو از هم ربیع الاول روز یکشنبه بمقام پهلوار سپ</p>	
<p>بوجد و حال بحق جان سپرد روز سماع وفات شاه حسین علی بسوز سماع ۱۲۴۴</p>	<p>بیوم مولد خیر البشر حسین علی صیر خامه نو اساز شد بتاریخش</p>
<p>ایضا</p>	
<p>با علی امی ہمدان گردیدہ جنت وانگهی آسودہ زیر خاک خفت حال شورش جان بحق سپرد گفت ۱۲۴۴</p>	<p>بواصل حق آنکہ در نامش حسین جان بشورش او در وقت سماع حضرت دلخستہ سال فوت او</p>
<p>تاریخ رحلت حضرت خوشد امر صاجبہ واقعہ شب بست و ہشتم از شہر جمادی الاولی شب چہار شنبہ</p>	

لین است ہشتم ۱۲۶۶	
قطعہ تاریخ ولادت فرزند شیخ محمد یحییٰ لیسر عثمی اکبر علی	
جناب عالی اکبر علی را خدا بخشید چون فرزند فرزند سرو شتم گفت تاریخ ولادت	کہ مقبول حق است و برگزیدہ کہ با داد و تقسیم پروریدہ سعادت توام و نور و دیدہ
تاریخ بنائے مسجد مولوی الطھر حسین صاحب بمقام محمد انوان و سال تمام آن	
بن الطھر حسین با صفا کرد صفا مسجد کے تقویٰ اساسی پئے سال بنا و عام تمام بناشد مسجد الاقصیٰ مثالی	بزرگیوں کا خ مقدر نس ز بھر طاعت مولے تقدس ترا این بیت باشد کافی و بس تعالیٰ اللہ عجیب بتی تقدس
قطعہ تاریخ رحلت پر حضرت بر خوردار محمد امین عرف عبد الغفور عرف اللہ و واقعہ بست و خیم صفر روز شنبہ وقت ظہر شانہ ہجری	
جوان رفت از جهان عبد الغفور	بمقدم بخدا و افسوس افسوس

تاریخ ولادت فرزند شیخ محمد یحییٰ لیسر عثمی اکبر علی

اجل فرصت یاد افسوس افسوس ۱۲	قلم سالتش رهنزد با دل چاک
	قطعه دیگر
در عالم ثبات زد نیامی بر فساد در خون طپید و گفت که داخل بخلد باو ۱۲ ۴۸ ۷	دردا که نور دیده غمناکین گذشت حسرت چو سال رحلت و خواستم دل
	بر خور دار ما کجا
قطعه تاریخ رحلت مولانا فضل حق رحمه الله و واقعه ۱۲ صفر	
عالم اجید ابلاریب بجفاء فلیس من عیب فضل حق هو الف الف الغیب ۱۲	قد توفی الاله فضل الحق ان نفاه الولاة من بلدة قال تاریخه لا ذرکه
تضمین ماده مرقومه در فارسی	
جنتی گشت نسبت ریب مرا فضل حق سر و شش غیب مرا ۱۲	مولوی فضل حق چو رحلت کرد گفت تاریخ او لا ذرکه
تاریخ انتقال خلیفه لعل محمد	
که بود مرد معجز بکنج مرقد خشت جواب پیر خرد او ستادمانه گفت	خلیفه لعل محمد بنائیزی استاد ز سال رحلت او چون سوال کردم

قطعه تاریخ رحلت مولوی گوهر علی صاحب اقعہ تاریخ	
نوردھم جمادی الاولیٰ روز دوشنبہ	
اکم ز گوہر و علی بود مرکب اسم او	داشت سجہ حاتمئ معین زمانہ بود آہ
سال وفات او نوشت خامہ استی بگا	آہ نامہ گوہر حکم حسنا وجود آہ
رباعی	
گوهر علی حمیدہ اخلاق و صفات	مہنگاہ سر آمد اجلس کرد وفات
معروف بنجیر بود در صین حیات	تاریخ مات یافت اہل الخیرات
تاریخ انتقال خواجہ فیض امہ مختص فرحت واقع	
پہار دہم جمادی الاخریٰ	
خواجہ فیض امہ فرحت از جہان	رفت و راحت در دل مخزون ماند
سال فوتش گلک حسرت زد رقم	ہای فرحت در زمان اکنون نماند
قطعه بطور آخر	
فرحت کہ بود نامش فیض امہ از جہان رفت	دل زین غمست پر خون جان بست مخزون
پسند از تو حسرت گر سال انتقالش	گو آہ در زمانہ فرحت نماند اکنون
قطعه تاریخ تہذیب شادی تزویج خواجہ علی نقی عرف	

علی نواب پسر خواجه محمد کاظم صاحب

<p>معدن جود و سخاوت بهت          باد پیوسته با من و صحت          چون پدر صاحب حسن میرت          با همه شوکت و زینت          روز و شب شادی و عیش و عشرت          گفت دل تهنیت با بهت</p>	<p>مولوی خواجه محمد کاظم          متخلص بشقادراشعار          پسرش خواجه علی نواب          عقد تزویج به نیت العمم یافت          هر دو را باد مبارک یارب          خواستم چون سنه این شادی</p>
<p>قطعه تاریخ ارتحال مولوی شاه محمد حسین خلیف شاه نعمت الله          پهلوار و قدس سرها بکه معظمه واقع دوازدهم شعبان ۱۲۸۳ هجری</p>	
<p>محمد با حسین آمد بشمرت          که جامع بود در شرع و طریقت          که پلوار می از ایشان یافت عزت          از ایشان وارث مجدد کرامت          تمتع یافت از حج و زیارت          مشرف شد ز همه غر و سعادت</p>	<p>شبه اقلیم فقر و دین که نامش          بعد از ظاهر و باطن بجانیه          مجیب الله شاه و نعمت الله          جد و اب بوده اند آن مرد حق را          ز ارض هند در ملک عرب رفت          ز آثار رسول انس و جان سیرت</p>

<p>بشعبان معظم کم در رحلت بغیرت یافته موت شهادت که آن حاجی ز کمره رفت جنت</p>	<p>میان مکه زین دنیا ای فاسق درون جنه المعصی دغین شد رقمزد کلک حسرت سال فوتش</p>
<p>قطعه آخری</p>	
<p>زین جهان و شتافت در فرودگاه نعمه السبب یافت در فرودوس</p>	<p>چون محمد حسین شد سفره گفت سال وفات او هاتف</p>
<p>قطعه دیگر</p>	
<p>از رو او در خشان انوار ز بهر کوه تا نام نامی او کرد دبو هویدا پرواز کرد در وحش در اشتیاق مو گفتا که کرده آرام در جنت معالی</p>	<p>آن مقتدای دوران مهر سپهر عرفان اول گو محمد زان پس حسین بزخون در مکه شریفه بر اوج عالم قدس جستم ز هاتف غیب تاریخ انتقاش</p>
<p>قطعه تلخیص رحلت میر شاه علام حسین صاحب غفر الله له</p>	
<p>مرگ او دل چو تیغ بخرامش آب رحمت بتروش پاشد بر و الله تر تبه باشد</p>	<p>سید با صفا علام حسین در نه خاک آرمید شد سال تاریخ رحلتش ز جهان</p>

		ایضا	
		توضیح	
		۱۲۶۹	
قطعه تاریخ انتقال شاہ ظہور الحق چشتی واقعہ چہار			
شنبه شب پانزدہم جمادی الاولیٰ ۱۲۶۹ ہجری			
عاجی با صفت ظہور الحق		آہ پوشید چون لباس کفن	
ہاتف غیب گفت تاریخش		در بہشت برین گزید وطن	
قطعه دیگر			
چو شد لوح ظہور الحق زرد سیا		بسوسے آخرت دار محنت	
پے تاریخ آن بر صفحہ دہر		قلم لوح ظہور الحق رستم زد	
قطعه تاریخ رحلت میر افضل علی مرحوم واقعہ			
شانزدہم جمادی الاولیٰ روز دوشنبہ			
چون سید پاک افضل علی آہ		آہنگ میر جنت نمودہ	
حسرت رفتزد سال وفاتش		اوسوی جنت رحلت نمودہ	
قطعه آخری			
میر افضل علی با آداب		شد بخوان نعیم خبت ضیف	
۱۲۶۹			



بار دیگر گوسپے تاریخ	میر افضل علی زروری حیف
رباعی شتالیہ تاریخ ولادت پسر سید فضل الرحمن صاحب مسمی بہ خلیل الرحمن سلمہما اللہ تعالیٰ	
فضل الرحمن رئیس باشوکت شان	دادش یزدان پسر چوہاہ خشان
پسند چو نام و سال مولود سعید	گو نور و پدیا خلیل الرحمن
قطعہ تاریخ ولادت فرزند ارجمند شاہ محمد یحیی صاحب کہ شب ہفت مہ ماہ مبارک رمضان اتفاق افتاد سلمہما اللہ تعالیٰ	
خدای غوجل لیلۃ الخمیس بیچھے	عطا جتستہ پسر کرد چو ماہ خشان
چونزنجیب فگندم بفکر سال ولادت	سروش غیب اکرد سابع رمضان
قطعہ تاریخ اطباء ثنویات شجرات خمس منظومہ شاہ امین احمد فردوسی	
چون شاہ امین دین احمد جمع شجرات خمس و نظم شد ثنویات پنجگانہ چون خمسہ حضرت نظامی بعد از صلوات خمس خوانند	آراستہ با علوم و آداب فرمود برائے نفع احباب از حرمت اولیا و اقطاب گنجینہ گوہر و زرناب این ثنویات را بحراب

<p>پرتو برشش جهت بصدتاب      در ظاهر و باطن است دریاب      ای سالک از رود شتاب      سالش حبسند جمله اجاب      باد این اشجار خس با آب</p>	<p>چون نخبه آفتاب افکنند      مانند حواس خسته در کار      در سایه این نخلان جنت      در قالب طبع چون درآمد      از یافت غیب آمد آواز</p>
<p>قطعه آخری</p>	
<p>شاه امین ستوده سرشت      همچو گلستانه زباغ بهشت      شجر خمس سبز باد نوشت</p>	<p>شجرات سلاسل خسته      ساخت در نظر جمع و شد مطبوع      سینه طبع خامه حسرت</p>
<p>قطعه تاریخ ولادت فرزند ولید مولوی بدانند صاحب معنی نعمت احمدی</p>	
<p>فرزند زینب پر زیاد      گشتند ازین نشاط و نشاط      جدا در کن احمدی باد      دیگر معلوم بود استاد      نامش پذیر خجسته بنیاد</p>	<p>حق داد به مولوسه بداند      مادر پدر و عزیز و خویشان      جد پدرست نعمت الله      آن یک بقنا و فقر معروف      زان نعمت احمدی نخواهد</p>

<p>عمدش باد افزون بر ششاد          آسیب خزان گه عیناد          رفیقیم بفکر سال میلاد          از نعمت فائز ان اجداد</p>	<p>یارب قدرش بلند گردان          این نوگل بوستان خوبی          چون از پی یادگار احباب          تاریخ ولادتش عیان شد</p>
<p>قطعه تاریخ انتقال مرزا امان علی ذبیح واقع دوازدهم          و یقعه روز جمعه</p>	
<p>شاعر خوش فکر بلوغ و فصیح          داشت را اشعار تخلص ذبیح          شور فکن شد بکلام طبع          ساخت نشین بفلک استسج          خسته جگر باشد و المعاجز          گفت که آلام و نوبت ذبیح          روز و مه واقعه گفت صریح</p>	<p>بود امان علی میرزا          کشته عشق آمده بود از دل          در صف عاشق سخنان همچو سیر          طائر و جوش نفس تن گنج است          بسکه خراشید غمش سینهها          سال وفاتش دل مجروحین          جمعه و یقعه و ثالث عشره</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت حافظ سعد الدین بن حافظ نجیب ابراهیم          بن حافظ نور آمد خوشنویس کهنوی قدس سره</p>	

<p>آن خفید رشید نورالهدی          عارف پاکباز حق آگاه          قدر او می شناخت ساکنان          یافت جا در مقام قرب آله          یافت دیدار حق بخت او</p>	<p>حافظ خوشنویس سعدالدین          صاحب وجد و حال و جوش و جوش          بود اهل سماع و مستی و شور          چون ازین داری ثبات گذشت          گفت سال وفات او حضرت</p>
--	--

ایضا

حافظ سعدالدین آگاه دل

قطعه تاریخ تولد فرزند دلبر شیرتخیل حسین صاحب سلمه امدت

<p>گل آمد شرده مرغان چمن زاد          صبا هر سو صلا ی عبس در داد          ز گل بانگ مبارک با و می یاد          بطل والدیش زنده ماناد          چه نام از حسن و خوبی می یاد          ز حاسد چشم بد یارب بسینا          رقم زو صاحب فضل و هنر یاد</p>	<p>بهار آمد بشارت می پرستان          نشاط و خرمی چون بنره زد جوش          عنادل گوشش گل بر نغمه کرده          که ز او امسال طفل مرده جین          پد ز نامش تخیل با حسین است          گلی از گلبن باغ سیادت          مستم بر نغمه ایام سانش</p>
--	---

## قطعه آخری

متولد بفضل خالق شد	این پسر چون سهر جهان افروز
در چه تاریخ و در چه روز و چه ماه	بشمشرم ماه حج دو شبانه روز ۱۲۴۹
نام تاریخی نذر الرحمن	
قطعه تاریخ رحلت شاه منظم الحق قدس سره	
منظم الحق چون ازین فانی سرا	ره نور دجنت فردوس گشت
گفت تاریخ وفات او حسد	منظم الحق از سر هستی گذشت ۱۲۴۹
قطعه تاریخ رحلت میر امام علی صاحب قدس سره	
سید پارسا امام علی	بود در اقصا و حیدرین
ساکن مکه معظمه شد	کرده هجرت ز سر زمین وطن
همدران بقعه مبارک کرد	جان پاکش مفارقت از تن
دل اندوگین من می جست	سنه رحلتش ز دار محن
روح او در خیال آمد و گفت	جنت آراستند از پیمان ۱۲۴۹
قطعه تاریخ رحلت حاجی شیخ بزکتابه مرحوم	
حاجی نیک نام با برکت	کرد ازینجا غریبت فرودینا

گفت تاریخ طغش با تفت مسکنش باد حنیت فردوس

تاریخ شفایافتن فقیر از مرض صعب

شفای فی الزیت فاشکری

قطعه تاریخ رحلت پر حسرت خواجه محمد کاظم تخلص شفای  
واقعه نهم ربیع الاول روز سه شنبه ۱۲۰۰ هجری

بلوغ عرش برین ناله و فغانم رفت  
چکومیت که زمرگش چچا بجانم رفت  
ز دل قرار و زتن طاقیت تو ام رفت  
رقم نمود که آن یار مهربانم رفت

شفا چو رفت ازین خاکه ان بعالم تو  
چه دوست بود جناب محمد کاظم  
ز بد و عمر شفیق مستدیم بود مرا  
سعید خسته جگر سال رفتش ز جهان

دیگر

کرد از نیچا چو غم سپهر بخت  
وای ازارت حال خواجه گفت

خواجه کاظم شفا تخلص او  
کلمه معنی نگار تاریخش

اسداه وصال محمد کاظم

قطعه تاریخ ولادت فرزندان بنده میر مکرّم حسین صاحب

که بر روی زمین باشد فرشته

مکرّم با حسین آن سید پاک

خدایشش داد فرزند پر پر و	تغش بازنگ بوی گل سرشته
چونامش خواستم شعر تاج	ظلم سید ظهور الدین نوشته
قطعه تاریخ رحلت مولوی مراد الدین	
مولوی نعمت اللہ لکنوی قلعہ پنجم رجب روز پخش شد	
توفی مراد اللہ انفاس عمر	بعلم و تدبیر و اتباع عالم
و حکمت کی باطل با عام فوت	فالہمنی مولاجی سہانہ غفر
	دیگر
عالم با عمل مراد اللہ	کہ ہمہ عمر کرد کار خدا
چون ز فانی سرای دنیا رفت	گشت تاج دوستان خدا
قطعه تاریخ رحلت مولوی محمد فرید پھلواری و ترجمہ لکھنوی	
چون محمد فرید طالب مولی	ہجرت از سر زمین ہند گزیدہ
کرده رحلت بجاک پاک مین	ساغر بادہ ظهور کشیدہ
ہاتف غیب بہر سال و فاش	زد داد و ست نزد دوست بریدہ
قطعه تاریخ رحلت شاہ کبیر الدین احمد قدس سرہ و واقعہ لکھنوی	
چون کبیر الدین احمد شاہ دین	مقتداسے صدر در الخوار سیر

کرد رحلت از قضا سے کرد گلا	سوی فردوس برین زمین کند دیر
سال تاریخ و فاقش خواست دل	گفت ہاتف کان معرفا بخیر
قطعه آخری	
پوشاہ کشور فقر و فنا کبیر الدین	بکنج مرقد خود نخت خوش بر بیگری
ز روی صورت و معنی سین رحلت او	حزار و دو صد و ہشتاد آید از چری
<p>مار پنجہاے وصال حضرت استاذنا مولانا شاہ محمد سلامت اللہ</p> <p>کشفہ قدس سرہ واقع سوئم رجب روز شنبہ ۱۲۸۱ ہجری</p>	
از آیہ قرآن	
<p>كَانَ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ</p> <p>تقیس از دعای ماثور</p> <p>رَضِيَ بِاللَّهِ رَبًّا</p>	
قصیدہ	
ای دیدہ بگریہ کوش و خون بر	وی سینہ برار نالہ راز
ای دل سبق فغان پیامو	کن با من ناصبور تکرار
ورد اگر شکست ساغر عیش	از سنگ جفای چرخ دوار



و قست که زور کار کرد  
 فخر الفضا محقق عصر  
 شمس العرفا که بود عالم  
 بدر الکلا که در کمالات  
 صدر الشعرا بلیغ دوران  
 زین الخطبا که منبر عطا  
 شیخ العلامت است  
 چون باد بجا رفت بیرون  
 یکسر همه خیر کرد از و گل  
 از فکر صواب خویش کردی  
 اکنون که گذشت از سر ما  
 میکرد و بیک نگاه نخل  
 میداد جواب هر سوال  
 هر نکته که بود در کیت  
 بالشرط طاعت و عبادت

از طلعت جمل تیره و تار  
 در جمله علوم کسب و خار  
 از پر توروی او پر انوار  
 معروف بلا بود و مصفا  
 کشفی است تخلصش در اشعار  
 بود از قدش طیب بر مقدار  
 شفق بر طالبان پدر او  
 زین باغ کعبه کعبه است پر خار  
 پاک آمد و پاک رفت ازین دار  
 در دم آسان هزار دشوار  
 ماییم و غم و هجوم افکار  
 هر عقده که بد محسب انظار  
 از جودت طبع وقت آثار  
 میکرد با اهل علم ایشان  
 تصنیف کتاب کرد بسیار

تحریر شهادتین و مولود  
 بر مسلک مستقیم کتم  
 دل داده حب آل الله  
 در پرده علم خواجه فقر  
 در شرطبوری و ابوالفضل  
 شاگرد و یند مستعدان  
 بودست بخلق حجت حق  
 در نقبتش نکرد دم اطرا  
 تا سه ز دست او جدا ماند  
 کم کن جنوع و فرخ سعید ا  
 در حضرت ذوالجلال و ابجد  
 یارب طفیل سرور دین  
 جایش بده از گرم نبردوس  
 کردم چو حساب سال رحلت  
 تاریخ وفات او بر آمد

اشباع کلام و دیگر اسفا  
 چون صحت کبار و ال اطباء  
 هم پر و چار یار اخصیار  
 مست از می عشق تحت استا  
 در نظم قریب نفر گفتار  
 زان جمله مرا کمینه انکار  
 بروی نه و رو و منع انکار  
 گفتار مرا تو راست بنده  
 انا لله گفت صد بار  
 در امر خدای صبر پیش آر  
 از بهر دعا و دست بردار  
 محبوب تو و رسول مختار  
 در زمره اولیای ابرار  
 باجان خربین بن دل افکار  
 از نام خدا که هست غفار

در دست انصاف بیان آمد در بیان خدای عزوجل  
 در دست انصاف بیان آمد در بیان خدای عزوجل  
 در دست انصاف بیان آمد در بیان خدای عزوجل  
 در دست انصاف بیان آمد در بیان خدای عزوجل

قطعه	
حضرت کشفی که اسرار علوم	بود بکشوف ضمیر روشنش
آه ما را بود استاد شفیق	دخا که مل بد بجه علم و فنش
شد بجهان تار یک از ظلمت جو گو	جان پاک آمد چو پیرن از تنش
باد یارب از و نور فضل تو	ابر رحمت سایبان فنش
ز در قم سال و فاش خامه	جنت فردوس باد اسکنش
قطعه آخری	
شد سفری از بجهان کشفی بیدیل ما	شماره علم و فضل او در همه ملک چارست
کرد سعید جان لب سال و فاش اطلب	گفت دل خیزن که آه دوست سید دوست
قطعه ثالثه	
مولوی سلامت آمد کشفی از جهان	انتقال در جهان کرد چون بامرب
سال طیش دلم بجهاد گارخواست	زند اسروش غیب ثالث مه چرب
قطعه تاریخ رحلت قاضی انور علی مرحوم خلیف مولوی	
منور علی مغفور واقع ششم رمضان المبارک	
قاضی انور علی بحکم قضا	کرد چون شمع زندگی خاموش

سال تاریخ بادل رنجور	قاضی انور علی بگفت مروض
قطعه تاریخ رحلت مولوی باد علی غفر اللہ لہ سیدہ لکھنؤ	
حاوی علم عقلی و فکری انکہ باد علیے بود نامش وصف اورا نمیتواند گفت گفت سہال وفات او ہاتف	از اصول و فروع دین آگہ کرد رحلت ازین جہان آوہ خامہ دوزبان کیے از دہ یافت ہادی علی بخت مو
قطعه تاریخ رحلت سید شاہ محمد قاسم قدس سرہ اقمہ ہفتدہم شہر شوال روز پنجشنبہ سنہ ۱۰۰۰	
سید پاک صاحب برکات شد ز جمع محمد و قاسم رہبت باذوق و شوق و وجد خامہ راست گوی تاریخش	کہ درین نشہ مخم نیکو کشت نام نیکوی آن ستودہ شربت کرد رحلت چو زہمان بہ بہشت عاشق صادق خدای نوشت
تاریخ چاہ خانہ باغ فقیر	
تسہ چاہ کر قمرش آیدند تاریخ ازو میرسد این صدا	بعطشان کہ عذب فراتیم ما بیانشند آب حیاتیم ما

تاریخ بستن جایانھا بصحن خانہ خودم	
چمناسا حستم در صحن چنانہ	بہشت آسا پر از گلہای رنگین
بشاخ یاسین بر سنفہ گگل	نوشتہم سال او باغ رباعین
قطعہ تاریخ حفظ حافظ عبدالمغنی پسر حافظ محمد کریم	
آروے سلمہا اللہ تعالیٰ قرآن شریف را	
حفظ قرآن چہ منصب عالی است	کے رسد ہر کسے باین منصب
ہر کرا دست داد این دولت	بکف آورد نقد سر مطلب
باجیاء و اصدقاے کرام	میدہم مژدہ سرور و طرب
کہ محمد کریم پاک نضاد	صاحب عقل و فہم و علم و ادب
بود خود حافظ کتاب کریم	ولد ارشدش بسان اب
یز شد حافظ کلام اللہ	اسے خوشاطالع و زہے گوکب
سال تاریخ حفظ او چہتم	گفت دل حافظ کلام رب
قطعہ تاریخ انتقال جناب مولوی محمد ابراہیم گزنہسوی	
واقع شب نهم ماہ مبارک رمضان ۱۲۶۶ شمسی	
فزع عالم محمد ابراہیم	بود در علم و فضل بے بہت

<p>         مادی دین و صاحب تقوی          رونق تازان داد مدرس را          متداول بسیار فصلا          گشت مطبوع و نافع ادا با          پیش از و بود افضل علما          داشت بر سبب فضیلت جا          کرد نظم قصیده عظمی          طالبان علوم را ماوا          کرد رحلت بسوی دار بهشت          جنت عدن و سایه طوس          از سر آه بد خلیل خدا       </p>	<p>         حامی شرع و تابع سنت          شد مدرس شبیه کلکته          بی شکست دیوانش          کرد شرفش چنانکه می شاید          جدا و مولود این الله          هم بکلکته زبیر مدرس بود          در بیان آثار نبوی          مسکنش تشریح نگار          شب شنبه نهم ز ماه صیام          جای او کن بفضل خود یارب          گفت سال وفات او باقی       </p>
<p>قطعه آخری</p>	
<p>         کرد افسوس جان بحق تسلیم          شد بگلزار جنت ابراهیم       </p>	<p>         مادی دین محمد ابراهیم          سینه رحلتش خرد گفت آه       </p>
<p>قطعه تاریخ رحلت ایچانه نفسی امیر علیجان بجاور</p>	

چون صاحب‌الامیر ذوالقدر تاریخ وفات گفت هاتف	بگذشت زردار است بنیاد بابنت رسول حشر و سعاد
قطعه تاریخ رحلت منشی محمد اکبر علی سندیلی قدس سره	
منشی اکبر علی سندیلی بسته احرام حرم کعبه داشت در یک قیام از پی حج آب کم داشت پایان آمد از رنجی اینها النفس شنید رفت در حضرت آب تشنه شوق حسب حال آمده سال نوش	صالح و متقی و مهر خدا زاد الله تعالی شرفا رفت سوی جیل ثورانا شد عطش غالب و نشست زیا جان او وقت رجوع از آنجا آب نسیم نصیبش با دوا گفته لیک اجابت حق را
قطعه دیگر	
از تشنگی بیادیه مکه داو جان سال وصال او ز تو پرند اگر سعید	اکبر علی بشوق لغای جمال دوست کو سیر شد بهار زلال وصال دوست
قطعه ششم بر نام تاریخی پسر خواجه میرنجان صاحب	
خواجسته اهل صفا میرنجان	که سخن چون گهر رخشان گفت

شذریلا و پسر خرم و شاد	از دل و جان صفت بزدهی گفت
هر که دید آن پسر زیبارا	مهتابان و شه خوبان گفت
نام و تاریخ ولادت جستم	عقل کل خواجہ وزارت جان گفت
ایضا	
خواجہ متقی حسن	
قطعه تاریخ رحلت شیخ محمد تقی شیرازی واقعتاً و ششم ذی الحجه روز پنجشنبه وقت شام	
کو محو سقی شیرازی	شد کجا آخر آن جوان غریب
زین جهان رفت و خلق گریه کنان	گفت تاریخ و ای جان غریب
قطعه تاریخ ولادت پسر میر حسین اشرف صاحب بنیر دهم جمادی الاخری روز پنجشنبه ۱۲۰۴ هجری	
حق تعالی بحسین اشرف	چون عطا ساخته فرزند خلف
نام و تاریخ و دعا آمده جمع	زنده ماناد لیاقت اشرف
قطعه تاریخ ولادت پسر شاه محمد کبیری صاحب کمالی بمحمد	
مشفق شاه محمد	صاحب فخر و ذکار و حسن



<p>رشک خور غیرت ماه تابان      اسے خداوند کریم و مسلمان      گفت دل روز ششم از شعبان</p>	<p>زاد در چنانہ او فرزندے      عمر او باد ز صد سال افزون      سال و تاریخ ولادت جستم</p>
<p>قطعه تاریخ انتقال مولوی محمد فصیح علیہ الرحمۃ واقع      روز شنبہ بہت و نهم شہر ربیع الاول ۱۲۰۳ھ</p>	
<p>ستجیع فضائل براہل عصفاق      تاپی بری بنام آن کاشف الخفاق      از ماسو بریدہ سررشتہ علائق      تاریخ رحلت او شد مرشد خلاق</p>	<p>آن افصح زمانہ در علم و دین بگمانہ      نام رسول اکرم کن با فصیح منظم      زمین خاکدان آن چون جستم سو فضائل      زان رو کہ سو خالق شد رہنمای خلق</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت حاجی برکت</p>	
<p>ز اضطراب آمدہ دل در حرکت      ز در قم رحلت حاجی برکت</p>	<p>کرد حاجی برکت چون رحلت      سال او بادل رنج و تسلیم</p>
<p>تاریخ حائمی رحلت مولوی سید فرید الدین صدر ایمن</p>	
<p>فانرا بحسن الخاتمہ      قطعہ عریب</p>	

<p>اذ فرید الدین لا قریبه رهت تاریخ الثالث الواقعه</p>	<p>من خیار الناس الی الفاطمه قال فتلی بنی الحسن الخاتم</p>
<p>قطعه فارسیه</p>	
<p>سید نیکو فرید الدین حسرت خسته گفت تاریخش</p>	<p>چون گذشت از سراچه دنیا ساکن روضه اجمان باد</p>
<p>قطعه دیگر</p>	
<p>فرید الدین امین صدر آن شد این مصراع تاریخ دعای</p>	<p>چو گذشت از جهان سمست بنیاد الها ساکن روض جنان باد</p>
<p>قطعه تاریخ مکتب نشینی بدر عالم پسر میر احمد حسین صاحب</p>	
<p>میر احمد حسین صاحب جاه بدر عالم خسته فرزندش چون بکنت نشست با تکین سال بکنت نشینش گفتم الف آفتاب ممد دوست</p>	<p>کز عطایش حجل سحاب شود یارب از عمر کامیاب شود کاشنا با خط و کتاب شود روزی این بدر آفتاب شود باید آئین در حساب شود</p>
<p>قطعه تاریخ ولادت پسر نیرافرام سلمها الله دعا مشتمل بر نام تاریخی</p>	

چو مولود مسعود انعام کرد	بصالح جوان ابن اختم خدا
غلام ابقا سیم الهام کرد	مرا نام تاریخی آن پسر
رباعی	
فرمود عطا چون ولد آرشد بپا	ایزد نظر امام نیکو کردار
تاریخ بدان فضل امام بسیار	ناش خوانند اقربا فضل امام
تاریخ رحلت سید شاه قد حسین جوم	
اندین دار نام نیکو را	رفت سید قد حسین و گذاشت
جا بخت خدا دهد اورا	گفت سال وفات او با تفت
قطعه تاریخ ولادت پسر حافظ محمد سورتی	
کاهی لؤلؤ و ولد الولی	بحر العلم صاحبنا محمد
فوادى قاله الخلف الرشید	تفکرنا تاریخ الولاده
قطعه تاریخ رحلت حافظ مولوی ظهیر الحق رحمته	
المد تعالی واقعه شب بست و چهارم ذی قعد	
از جهان رفت بخت یو ای	عالم حافظ قرآن مجید
گفت دل بائی ظهیر حق های	سال تاریخ وفاتش بیستم

## قطعه دیگر

ازین دارمحن رحلت چو فرمود بجنت رفت و از اندوه استود	طعمه ای حق که حافظ بود و عالم سروش هم گفت تاریخ و فاش
--	--

## قطعه تاریخ رحلت والده ماجده غفر الله لی ولها

کرد چون رحلت دارفانی از از آرتب صبح و روز جمعه و بست سووم ماه	آفتاب بر چ خصمت مادر عفت پناه وقت روز و سال چه بستم دل گفت بود
--	---

## قطعه تاریخ رحلت میرنگی جان

این حادثه جانگاہ سنگ آمد سخت آمد دل گفت از روانه سنگ آمد سخت آمد	مانگده شد عالم از رحلت سنگی جان حسرت چو طلب کردم این واقعه آماج
---	--

قطعه تاریخ ولادت نبیره مولوی جلال الدین صاحب پر  
شیخ تفضل حسین مرحوم

چو دامادش برون برد از جهان رخت سرورش تازه شد بعد از غم سخت رقم کردم بود یارب جوان بخت	جلال الدین که اقبالش فزون باد خدا بخشید فرزندی بدخش پنه مولود تاریخ دعای
---	--

قطعه تاریخ رحلت شاه سلیم الدین قدس سره و واقعه شب

شنبه پانزدهم ربیع الآخر ۱۲۸۰ هجری

<p>حنا طرز تعلقات رفت جان داده ز بر خاک خسته باتق بجان شتافت گفت</p>	<p>چون شاه علیم دین و ملت در شوق لقا حق تعالی تاریخ وفات آن شه دین</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت حضرت شاه امیرالدین سجادہ نشین مخدوم شرف الدین بھاری قدس سرہ کہ طریقیہ ایشان فرود است واقعہ شب جمعہ ششم جمادی الاولیٰ ۱۲۸۰ هجری</p>	
<p>کہ شبہا بجزاب طاعت نخت لب و گوش خود را ز گفت و شنفت مقامش بجنات فرودس گفت</p>	<p>چو سجادہ آراسے فرودسیان نذاتے شنید از خداوند بخت شنیدم از رضوان کہ تاریخ آن</p>
<p>قطعه تاریخ ارتحال حکیم محمد مهدی رحمۃ اللہ تعالیٰ متوطن کریم چک۔ واقع شب مرقوم الصدر</p>	
<p>عاشق سبط نبی اعنی حسین دین مہتاب شد ازین دار و شدش گلزار چنت خواب گفت باشاہ شہیدان باد محسورای اللہ</p>	<p>چون محمد مهدی بادی حکیم شہر بود در توحید حق راسخ قدم منصور سال تاریخ وفاتش حدیث داعی نغم</p>

قطعه شکر که فیما بینهم

<p>داشت در قریه فتوح مکان شب شنبه گذشت ازین دوران زین جهان شد بر وضه ضوان شرف صوبه بهسار ازان شب جمعه جمادی الاولی دان سوی جنت ز تنگنای جهان خانه دارد کنون بیابغ جهان غفر و آگشت سال حلت شان</p>	<p>شاه فقروفت اعلم الدین در ربیع اخیر پانزدهم بعد از ان شاه دین امیر الدین بود فرزند و جانشین شرف وقت و تاریخ و ماه فوت ششم همدران شب حکیم مهدی فوت بود اورا کریم چک مسکن بر سه تن بوده اند چون مغفور</p>
---	---

قطعه تاریخ رحلت مولوی محمد علی معروف بایغای اقع  
بنفتم شعبان و چهارشنبه وقت ظهر ۲۸۴ هجری

<p>چون نباشند وارثان بهشت رفت جایافت در میان بهشت زینت زیب و غر و شان بهشت ز در قم زیب گلستان بهشت</p>	<p>عالمان وارث نبی هستند هم محمد علی از ایشان بود هست از بندگان خاص خدا زین سبب سال رحلتش حضرت</p>
--	--

## رباعی

سر حلقه اہل دانش و بنیادی	ابن اخ عباس علی مولائی
چون یافت ذات سال رحلت آمد	جان داد محمد علی آغانی

مادہ تاریخ بنامی مسجد لاور واقع بہشتیم  
شوال مکرّم روز جمعہ شششنبہ ہجری

رَبِّ اَقْبِلْ مِنِّي وَ اَنْتَ اَنْتَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

تاریخ اکامہ

تَقْبَلْ مِنِّي يَا رَبَّنَا اِنَّكَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

قطعہ

از بنام جس مسجد کردہ نام یارب بنا	ہر کہ آید شریعتیہ جانشر الہی شاہ بابا
صریح تاریخ آری آمد بطریق مدعا	ابن عبادت خان شیرازی اہل آباد آباد

قطعہ تاریخ رحلت سیدنا سید حسین احمد علی  
واقعہ ہندو مذہبی اچھ روز جمعہ سنہ ۱۲۸۵ ہجری

جو ان صالح عالی نسب سید الدین	کہ مثل او تو ان یافت زیادت الو
چو روئیت نہ خاک شد جہان تا یک	چنانکہ میرا شہرہ روزہ روزت کون

چه زود آمده ماه منیر من بخسوف	دل ستمزده تاریخ فوت گفت ایوای
قطعه تاریخ رحلت شاه مسافر حرم	
بر این معنیست اجماع اکابر شدار دنیا سوی جنت مسافر	مسافر بود شاه ملک عرفان چو رحلت کرد گفتم سال تاریخ
قطعه تاریخ رحلت شاه عبدالرشید قدس سره واقعه شانزدهم ذی الحجه روز سه شنبه شصت و هجری	
عالم و عابد و عارف باند کرد ازین دار فنا رحلت آه عمل صالح و ایمان همراه یوم سه شنبه و ذی الحجه ماه	مادی راه یقین عبدالرشید بعد حج شانزدهم در مکه گشت در جنت معلی مدفون آمد از صورت و معنی تاریخ
قطعه آخری	
بجنت غرقه اش داود طرفه فقالوا عام رحلتهم بغرقه	چو شد عبدالرشید از دار دنیا سالت الناس عن تاریخ ففوت
رباعی مشتمل بر تاریخ رحلت میر وزیر علی عمیرتی واقعه نوزدهم ربیع الاخر روز شنبه	



شدرامی آخرت ازین سنگ مری در شمع نماذ فارسی دان ابوی	چون عبرتی فصیح معنی آرای تاریخ وفات حسرت تالان گفت
قطعه	
در کتب فارسی از بس ماهر در صفت اوست ز بانم قاصر شد ز غمش خلق پریشان خاطر نوزدهم ماه ربیع الآخر	سپه وزیر علی عسکری آه ناظم و نثار و سخن پرور بود گفت ازین ارفا طبل جیل روز بود شب و تاریخش با س
قطعه تاریخ مکتب نشینی سید محمد مهدی اسپر الاکبر شاه محمد مجیدی صاحب	
ز باغ عمر یارب میوه پینه کمال شادی مکتب نشینی	شدی مکتب نشین ای پور سنجی بلوچ دل نوشتم سال تاریخ
قطعه تاریخ رحلت مولوی حاجی ابوالبرکات بمبئی طیبه رحمه الله تعالی	
ابن فضل امام ابوالبرکات داشت مال و مواضع و قربات تا بگوشد بطاعت و قربات	منبع علم حافظ و تدریس مسکنش بود سرزمین بجا هجرت از هند کرد در حرمین

دل ستمزده تاریخ فوت گفت ایوای  
چیز و داده ماه منیر من بخسوف

قطعه تاریخ رحلت شاه مسافر موم

مسافر بود شاه ملک عرفان  
چو رحلت کرد گفتم سال تاریخ  
برای بنیعت اجماع اکابر  
شدار و بناسوی جنت مسافر

قطعه تاریخ رحلت شاه عبدالرشید قدس سره  
واقعه شانزدهم ذی الحجه روز سه شنبه ۱۲۵۴ هجری

مادی راه یقین عبدالرشید  
بعد حج شانزدهم در مکه  
گشت در جنت معلی مدفون  
آمد از صورت و معنی تاریخ  
عالم و عابد و عارف باسد  
کرد ازین دار فنا رحلت آه  
عمل صالح و ایمان همراه  
یوم سه شنبه و ذی الحجه ماه

قطعه آخری

چو شد عبدالرشید از دار دنیا  
سالت الناس عن تاریخ فواته  
بجنت غرقه اش دادند طرفه  
فقالوا عام رحلته بغرقه

رباعی شمله تاریخ رحلت میر و ز بر علی عبرتی واقعه  
نوزدهم ربیع الاخر روز شنبه

<p>شد راحی آخرت ازین تنگ سری در ششم نماز فارسی دان ابوی</p>	<p>چون عبرتی فصیح معنی آرای تاریخ وفات حسرت تالان گفت</p>
<p>قطعه</p>	
<p>در کتب فارسی از بس ماهر در صفت اوست زبانم قاصر شد ز غمش خلاق پریشان خاطر فلوز دهم ماه ربیع الآخر</p>	<p>سهر وزیر علی عبسرتی آه ناظم و نثار و سخن پرور بود گفت ازین ارفنا طبل جیل روز بود شبند و تاریخش باک</p>
<p>قطعه تاریخ مکتب نشینی سید محمد مهدی لیسر الاکبر شاه محمد مجیدی صاحب</p>	
<p>ز باغ عمر بارب میوه پینه کمال شادی مکتب نشینی</p>	<p>شدی مکتب نشین ای پور شیخ بلوچ دل نوشته ام سال تاریخ</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی حاجی ابوالبرکات بمبیسر طیبه رحمہ اللہ تعالیٰ</p>	
<p>ابن فضل امام ابوالبرکات داشت مال و مواضع و قربات تا بگوشد بطاعت و قربات</p>	<p>منبع علم حافظ قرآن سکنش بود سر زمین بجا هجرت از هند کرد در حرمین</p>

<p>از صیامت صلوة و حج و زکات عاقبت در مدینه یافت وفات انجمن موت به بود زیارت از پیکر زائرین ز زیارات بر و همراه تو شسته حسنت مشمول بود غا و سال مات بالمقام الامین الجنات</p>	<p>کرد انجاء بادت بسیار سالمها اگر حج بیت الله در جوار رسول مدفون شد کرد تمجید یک ربا و وسیع نام نیکو گذاشت در دنیا حسرت این بیت گفت در یا وسیع النوال انزل</p>
<p>قطعه دیگر</p>	
<p>چو بوم انچه ز وحسنات آمد ابو البرکات با برکات آمد</p>	<p>ابو البرکات حلت کرد افسوس سخن کوتا و تاریخ وفاتش</p>
<p>قطعه آخری</p>	
<p>که رباط ساخت انجانی سندان بر بمن خرین ندازد بکدینه خوش بوگ</p>	<p>بکدینه کرد حلت چو رئیس نامی هند شده وفات او از سرش غریب جستم</p>
<p>نام تاریخی فرزند سید قطب الدین بن منشی سید نجم الدین صاحب سلمه الله تعالی منظور النبی</p>	

## قطعه

خدا داد چون قطب بن پاسبان	شد از نور روش جهان افروغ
از آن سال تاریخ میلاد او	بمن گفت پیر خرد با من فروغ

قطعه تاریخ رحلت مولوی علی حسن صاحب  
آرومی واقع شانزدهم ذی القعدة روز پنجشنبه ۱۲۹۰ هجری

کرد رحلت ز جهان فاسانی	چون علی حسن صادق وعده
خامه تاریخ و سه و سال وفات	ز درقم شانزده و ذوالقعدة

قطعه تاریخ رحلت مولوی نعمت الله صاحب کمئوی  
واقع شب سوم شرم شب و شنبه ۱۲۹۰ هجری

نعمت الله فاضل علامه رحلت کرده	کی درین عصر چنین صاحب کمال آید
اندرین عالم وجودش نعمتی بود از آله	چون از فوتش بخاطر بلال آید
خواست نام مصری گویم بر ایادگار	که حسابش بر تو سال از حال آید
حسب حال این مصرع آید از درون	قد نعمت جهان از زوال آید

قطعه تاریخ مراجعت میراجد حسین صاحب از مصر حرمین شریفین  
زاوایه شریفیاد تعظیما

<p>سیر و اجده حسین عالیقدر  حج سکر دو مدینه رفت و با  بوطن چون مراجعت فرمود  هاتف غیب بانگ دناگاه</p>	<p>سعی در حج و عمره نیکو کرد  سوی بیت القدس گریز کرد  فکر تاریخ این دعا گو کرد  باسعادت معاودت او کرد</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی کرامت علی چونی پوری  واقعه دوم ربیع الآخر روز جمعه ۱۲۹۰ هجری بمقام نیکو</p>	
<p>از موت کرامت علی شد  آن گنج علوم شرح و دین را  روز و تاریخ و ماه و سالش</p>	<p>مدرس بجهان ملول خاطر  مدفون کردند در مقابر  جمعه دوم از ربیع الآخر</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت فتنی سیند علی مرحوم</p>	
<p>چو فرزند شاه ولایت علی  ازین تنگنا سه جهان ناگهان  جهان شد بچشم غمخیزان سیاه  اگر از تو پرسند سال وفات</p>	<p>که این صف الیه است بر نام او  بسوی ریاض جهان کرد رو  بدنی از او ماند نام نکو  بهشت برین باد جایش بگو</p>
<p>قطعه تاریخ اتمام فقیر درس بخاری شریف</p>	

<p>ز آغاز دس بنجاری بانجام په سال تاریخ حسن خماش</p>	<p>رساندم پنا سید و توفیق باری نذاردم روشم و تم البنجاری</p>
<p>قطعه تاریخ وفات</p>	
<p>په جسم درو ز جمعه ذیقعد سال آن گفت دل ز روی بکا</p>	<p>کرد عنت ولایتی بیگم شد بخت ولایتی بیگم</p>
<p>قطعه تاریخ شادی ازدواج پسران منشی امیر علیجان بجادر</p>	
<p>امیر مخلصان دستور سلطان تبدیر خوش کار جهانراست بسان نافه از خلق کیشش بنظم و ترکیب سالی زمانه دو فرزند عزیز از جندهش یکی را اشرف الدین نام بر خوان در آخر آمد اسم پاک احمد بیتا کمال خودشان عقد تزویج ارکباد این شادی کاسه</p>	<p>جلیس نریم نواسب گورنر ذرا می روشنش عالم منور دماغ خلق میباشد معطر سخندان و سخن سنج و سخنور باوج حسن تابان چون دواخ دگر را افضل الدین نام بنمبر تمام نام آن مهر و برادر پذیرفتند با صد شوکت و فر بجاه احمد قنار و حیدر</p>

بودشان تاج زرین زینت سر	بود خورشید و سہ تازی با فلک
ز بجز طبع من اسے بند پرو	بر آمد این در مکتون بتاریخ
بسکپ از دیواج آمد دو گوهر	بحد ایہ کہ باشناسے شمانہ
قطعه تاریخ رحلت مولوی حافظ محمد کریم صاحب آروی عرف حافظ گہریٹا	
عسکر قضاوت در جان او	بر آمد حافظ محمد کریم
توان یافتن گر کے جنم	ازین واقعہ سال تاریخ آن
از آبیہ قرانی	
فی ظلم مسدود و منہ مشکوب	
قطعه تاریخ سفر بعض حبہ	
مدہ من الودع امی صبر و طاقت	خیرا کردہ مازارنت از شہر
بگو مردیم از در و فرانت	دلا سال ذہابش باخیش
قطعه تاریخ یافتن مولوی سید وحید الدین صاحب خطاب خان بھادر از پیشگاہ نواب گورنر جنرل بھادر	
کوہ وقار بھر سخا معدن کرم	ای سیدگانہ دوران فرید عصر

چون از سرور و مفا  
تاریخ کریم صاحب  
اور آبیہ قرانی  
مولانا محمد رفیع



<p>وصف کمال تو نتوانم کنم          خان بھادر آمدہ امی صاحب مہم          باد اہتو خطاب مبارک رقم زوم</p>	<p>نامت آسمان نازل و حیدرین          از حضرت گور زبیرل ترا خطاب          تاریخ این نجستہ خطاب مبارکت</p>
<p>قطعه تاریخ دستار فضیلت بر بستن مولوی حافظ          محمد ابراہیم صاحب ابن ناظر عبد العلی صاحب مولوی          محمد صاحب بمقام آ رہ نہیم جماد الاخر روز جمعہ مسجد جامع</p>	
<p>بکف آمد در یکنا سے مقصود          محمد آن دگر از بخت مسعود          عجب دولت با ایشان روی نمود          مبارک شان بود دستار فرمود</p>	<p>دو کس اور مقام آن امسال          یکی را حافظ ابراہیم نامست          بستند دستار فضیلت          سروش غیب تاریخ دعائے</p>
<p>قطعه تاریخ فاتحہ فراغ خواندن مولوی حافظ محمد ابراہیم صاحب          سابق الذکر</p>	
<p>بر خواند کتابہا سے درسی          باصحت لفظ و فہم معنی          در جمع افاضل و موالی</p>	<p>ابراہیم آن نکونصائل          در مدرسہ العلوم آ رہ          چون فاتحہ فراغ بر خواند</p>

تاریخ فراغ خود ز من خواست	گفتم که تو خود بگو من در این
عالم علی صاحب و شاه ولی الله صاحب و واقعه شب جمعه	قطعه تاریخ رحلت حاجی عبدالرحمن برادر کوچک حافظ
نفس جمادی الاخره بمقتام صاحب کجنگ رحمة الله تعالی	
آه از حادثه رحلت عبدالرحمن	که جوانی گشت غریبان ز در دنیا
صوری و معنوی این واقعه را شد تاریخ	بود آن شب آدینه جمادی الاخره
ماده تاریخ ولادت پسر میر محمد قاسم شیر صاحب	
میر محمد صادق شیر دلیر	پوزریای میر محمد قاسم شیر
قطعه تاریخ رحلت الهانہ امم غفر الله لها و واقعه غم	
شعبان روز خشنه وقت ظلم سالانه هجری	
تا اهل بیت رخت از جهان بست	جان خرنیم با غم طلیس بست
تاریخ ماه و سال وفاتش	چشم شعبان یوم خمیس بست
قطعه آخری	
رفیق رنج و راحت بود اللهم	زمرگ او شد ابر جمله کارم
در جمعیت حسا طراز و بود	کنون حسرت پریشان زورگارم

گرفتن رسم تاریخ نوشتن		بلوغ دل عنتم با رسم نگارم
قطعه دیگر		
مشغول کفن پوش صدر خصمیان	ملا را مد قفسه نور را	
گفت تاریخ رطقتش حسرت	جا بخت خدا سه داد اورا	
قطعه آخری		
مردم خانه کردید همه پیشین بود	از جهان رفتند در آینه بجان تاریکی	
سال نوشتن این بیابان تو را گفتم که آه	داد نوری هزار و بسکان تاریکی	
تاریخ ولادت نواسه حافظ مولوی عبدالهادی صاحب بست و چهارم شوال روز شنبه وقت برآمد یکپاس و زرکه نامش سید عبدالمعنی نهاده شد		
سیدی عبدالمعنی		
قطعه تاریخ شادی از دواج سید عبدالقادر پسر حکیم محمد حسین صاحب		
حکیم محمد حسین آن ماهر قسام علم طب	که استادان سلیم اشتند او بیاستادان	
چو فرزندش که عبدالقادر بن نامست غاش	عروس آورد باز بیانی و خوبی به امداد	
به امداد و عروس آید و کند از فضل خود	نشاط و خرمی بین سعادت ثانی آباد	

مبارکباد این مبارکباد این مبارکباد	تطبیع نخت چون قند کس سال تا بخش
قطعه تاریخ رحلت حافظ عنایت شاه	
<p>عنایت شاه از خاصان الله          بحسن مرد وزن در کوچه و راه          نگرود تا کسی از سرش آگاه          لباس خوش ببری کرد چون شاه          سیاحت در زمین بس کرد ناگاه          بشهر صوم جمع نیمی ماه          نذارد عاشق صنع چند آه</p>	<p>درین حافظ قرآن و سید          تماشا بین صنعتهای نیروان          ملامت سائر درویشیش بود          سرود و نغمه ساز دوست میداشت          بسر آورد عمر خود بتجربید          بغریب کرد در کلکته رحلت          بی سال و فاقش یافت غیب</p>
قطعه تاریخ سفر حاجی میر اسمعیل علی مرحوم بسوی حرمین شریفین بعیت پندشان میر و اجد حسین پانزدهم شوال روز دوشنبه	
<p>از وطن در آرزوی مکه رفت          میر اسمعیل سوی مکه رفت</p>	<p>حاجی اسمعیل باضعف و مرض          گفت تاریخ سفر حسرت که باز</p>
قطعه تاریخ رحلت مولوی حافظ عبدالقادر مرحوم	
شاد زین دار خراب گشت در جنت بقیم	حافظ قرآن و کنج علم عبدالقادر آه

بهر سال نقل آن مقبول دگرگاه آید		کرد و با توفیق این بزرگوار نقل بحیات النعمیم
تواریخ مجمل		
حافظ کلام حاجی بنیاد دل آگاه شعب خوشبخت و نوزدهم از ماه عبید الغطر وفات بره ایمان یافته	عابد و او مولوی عبدالقادر بن محمد سنه کنه اردو رسید نو دود و از هجرت اینها بجنان شتافت	۱۲۹۲
قطعه تاریخ رحلت اطنان شاه و جده اند قدس سره والده شاه محمد یحیی صاحب اقمه بستم شوال ۱۲۹۲ سنه هجری		
زوجه پاک شاه و جده گشت سال حبس با طوس سب	زیحجان کرد چون عزیمت خلد گفت زوجه با بخت حمله	۱۲۹۲
نام تاریخی نواس میر محمد حسین صاحب		
غلام حسیدر		
قطعه تاریخ حفظ بر خور د از نذر الرحمن سلمه الله تعالی قرآن نفا		
مدر رحمن چو حفظ قرآن کرد بهر سالش فرشته گردندا	بود استاده ذر نماز شب گفت اسی حافظ کلام رب	۱۲۹۳
دیگر		

<p>استغاثت بحفظ قرآن بد پنجه گروید یاد اولابد هاتف غیب گفت حافظ شد</p>	<p>نذر الرحمن که از زمان صفر چارده ساله شد چون تمقل سال تاریخ حفظ قرآنش</p>
دیگر	
<p>حافظ قرآن شد از فضل آنکه عمود دولت علم و تقوی غرو جاه حفظ قرآن را تمام آن شک ماه گفت بوده بیست و هشت ماه</p>	<p>نذر الرحمن باحت جان نور چشم ایزد الرحمن کند او را عطا از حبس بودست یکشنبه که کرد از خرد چون خواستم تاریخ سال</p>
دیگر	
<p>هر جا که رود همه او باد ایمن قرآن شریف یاد کرده با ایمن</p>	<p>نذر الرحمن که هست سر تا پایمن حفظ قرآن چون کرد گفتم تاریخ</p>
دیگر	
<p>حافظ شد و عنقریب کرد قاری دل گفت که حافظ کلام باری</p>	<p>نذر الرحمن که با و خیرش جاری جستم چو برای سال حفظش تاریخ</p>
دیگر	

نذر الرحمن چو کرد حفظ قرآن	ابو د کردیم حسنه بند را از آن
بودست ز نام سال مولد پیدا	گردید ازین حسنه حفظ عیان
رباعی ششم تاریخ خلاص شیخ ظهیر الدین و سید	
حبیب الرحمن و سید امام الدین از سیر دکی دوره	
از کین مدو که د اثرت نیش عقرب	یک چند قنادند عزیزان کرب
گفتیم بجان شاد تاریخ خلاص	دشمن چه کند چو مهربان باشد رب
بوضع دیگر	
گفته بجزیران که ترود ز چهره کوش	بالطف خداوند چه پرو اعدوست
گشتند راه و گشت تاریخ خلاص	دشمن چه کند چو مهربان اعدوست
قطعه تاریخ رحلت اسنادی مولوی ابوالحسن رحمه الله تعالی	
ز بجان مولوی ابوالحسن آه	زنت بر بست و کرد و بهشت
گفت سال وفات او حسرت	شده آراه گاه او بهشت
قطعه تاریخ رحلت خواجه عبدالحسین خان	
واقع شب شنبه یازدهم ربیع الاخر	
خواجه مشهور به عبدالحسین	خان همان شد لقبش در جهان

رفت سفر بست ازین خاکدان	کرد و نیاید دنی ارتحال
چاشنی مرگ چشد بیگان	هر که تشدیدست شراب حیات
ذائقه الموت ز قرآن بخوان	پرسد اگر سال فوآتیه کس
قطعه تاریخ رحلت شیخ علی نواز سعروف به نواب صاحب	
رفت زین دار پر افات بجات علی	آنکه نامش نربانسا علی آه نواز
روز جمعه دوم ششم حمادی الاولی	باب درودال غمزه تاریخش گفت
قطعه تاریخ تزع سلطنت از سلطان روم عماد الغزنی	
حسان مروجوم و هلاک کردنش خود را ازین غم و غصه	
سلطان روم حضرت عبدالغنی شاهی	بان عزیز داد پس از تزع سلطنت
عبرت فرود واقعه ملک روم آه	حضرت فخرت خاتمه سن ال اسنوح
قطعه تاریخ رحلت حاجی میر تصدق حسین واقعه	
مقدم رمضان روز جمعه	
رخت بر بست از سرای جهان	چون تصدق حسین سید پاک
هے آدینه هفده از رمضان	گفت تاریخ حضرت غمناک
قطعه تاریخ رحلت سید شاه محمد حسین مروجوم واقعه شب مقدم بقعه	



<p>روزی او نعمت فردوس شد مسکن و مسکن جنت فردوس شد</p>	<p>رفت ازین دار محمد مبین کرد در قم سال وفاتش قتل</p>
<p>قطعه تاریخ تصنیف حکیم سید احمد حسین صاحب متخلص صوفی نشر شده به ارمنغان طبع چهار بهار</p>	
<p>این کتاب دلکش زنگین نوشت این رضع شرز بیابین نوشت</p>	<p>صوفی خوش فکر چون دزشر و نظر سال آن حسرت برای اهل دید</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت بخشش علی واقعه سبت و یکم ذوالقعدة روز</p>	
<p>خناک آنکس که تخم نیکی گشت مرد پر پیروزگار پاک مه گشت منزلش باد بوستان بهشت ماه ذوالقعدة روز جمعه نوشت</p>	<p>دار دنیاست مزرع عصبه بود بخشش علی ز اهل صلاح کرد رحلت ازین جهان خراب خامه ام سال و ماه و روز وفات</p>
<p>قطعه تاریخ مقدم مولوی غلام امام شهید در بلده عظیم آباد شانزدهم ذی الحجه روز سه شنبه</p>	
<p>امام اهل سخن هست عمر او بنزد قبول تمام بشعر ترشش خدا بخشید</p>	<p>شهید آنکه غلام امام دارد نام ز بسکه سفت نعت نبی در سینه</p>

<p>که غایب در عرق شرم گشت مرور خودش بجای نبی در مقام قرب رسید زند چاک گریبان چو گل قریب بود شنو که سال قدوش چه نیک گفت نزول رحمت نردان بود قدوم شهید</p>	<p>بیان مولد ختم رسل چنان فرمود رسید غفل مولود خویش بر عرش کند چون نغمه بلبل بمحفل سبلا ببین که منزله اش اسما شد عظیم آباد شدت مصرع تاریخ بے سحر انکار</p>
<p>تاریخ رحلت شیخ خورشید علی کولوری واقع بست و دوم ذی الحجه روز دوشنبه</p>	
<p>گفته شد رحلت خورشید علی جان داد</p>	<p>خورشید علی چون رفت زمین از خراب آباد</p>
<p>تاریخ مراجعت حاجی میر اسمعیل علی صاحب از حرمین شریفین مع انجیر و السلامه</p>	
<p>جاء بحدیة سالماً و غانماً</p>	
<p>قطعه تاریخ ختنه تقی الدین حسین و نذیر الدین حسین پسران مولوی واعظ الدین حسین سلمه امدت قاعے سلخ محرم شب پنجشنبه ۱۱۹۲ هجری</p>	
<p>پاک لیت صاف دل فرخنده خو هر کیچه شیرین شامل ماه سرو</p>	<p>واعظ الدین صاحب عقل و هنر ختنه دو طفل خود اسما کرد</p>

آن کی نامش تقی الدین حسین	نام دیگر از زید الدین بھو
از نوگر پسند سال این ختان	ختنه و طفلک و بھند گو
قطعہ تاریخ رحلت شیخ تفضل حسین وکیل	
شیخ تفضل حسین آہ	زمین دار خراب و حشت افراہی
روز و مہ و سال دان و پشیمہ	از شرف صفہ دو از زده واسے
قطعہ تاریخ رحلت مولوی حکیم ارادت حسین بمباہ عظیمہ غرہ	
جمادے الآخرے	
عالم ستقی و مایہ طلب	تمسک بکتاب بیعت
نام او بود ارادت حسین	کرده از ہند بکہ ہجرت
بود مشغول عبادت شب و روز	زنت بر بست چو آمد رحلت
گفت تاریخ ملک وقت حیل	رفتی از مکہ بسوسہ جنت
قطعہ آخرے	
ارادت حسین آن طبیب معالج	کہ در علم طب داشت از بس مہارت
جمیل الصفات و جلیل المناقب	ز تعریف ستغنی از فرط شہرت
فساد و فتن دید و کشور بہند	ازین سر زمین کرد در مکہ ہجرت

<p>سجده و طواف و نماز و زیارت بگوشش که در دم نمودش اجابت زهی نیک نیت عجب پاک طینت از ان گشت تاریخ مشتاق حبت</p>	<p>مقیم حرم بود تا سیزده سال بماند آن اندازه دایه حق بناک حرم نفس او را سپردند بجان بود مشتاق حبت همه عمر</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی نور احمد پهلواروی واقعه نهم حبت روز شنبه ۱۲۹۲ سنه هجری</p>	
<p>شمار باد اجل خاسوش نالان شد دل اقران مذا آمد که نور احمد شاه در نور حق پیمان</p>	<p>چرخ خایان علم و عرفان شاه نور احمد پی تاریخ نوشتش از سر و شغیب در گوشت</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت پر حسرت مولوی حاجی امیرالدین واقعه نهم حبت رب روز دوشنبه</p>	
<p>بفضای جهان پرید عو طسیر گشت تاریخ موته با سخنیر</p>	<p>جان پاک آرتن امیرالدین چون شدش حسن خاتمه روزی</p>
<p>قطعه دیگر</p>	
<p>سفری شد سوی بهشت برین آه شد رحلت امیرالدین</p>	<p>زینجهان مولوسه امیرالدین حسرت خسته گفت تاریخش</p>

قطعه تاریخ رحلت سید شاه امیر الدین واقعه است سوم حرب

روز شنبه ۱۲ هجری است

زین خاکدان گذشت سید امیر الدین	سید و خان از دل اسباب گشت کم
خواهی که یابی آگهی از سال ملتش	شهر حرب حساب کن بیت و سوم

قطعه تاریخ فتح سلطان روم بر شکر روس که در یابی نیوب  
عبور کرده متوجه قسطنطنیه بود و عثمان پاشا با آنان حرب  
کرد هشت هزار روسی مقتول و بست و چهار هزار مجروح شدند

نصیب لشکر اسلام نصرت	شدند از فضل خدا که سه قیوم
هزاران روسیان مقتول و مجروح	شدند از دست فوج مشتعل و قسم
خرد تاریخ این شمع نمایان	شکست روس بیدل گفت از روم

قطعه تاریخ رحلت مولانا مفتی سعد الله واقعه چهاردهم شهر

رمضان روز یکشنبه

حیف و ذیف اکمل العالی	زین جان خراب رحلت کرد
فانسان بیدل سعد الله	تک دنیا و قصد جنت کرد
عالم علم عقل و نیت	نام کبریا بحق بدایت کرد

عزیزان و عزیزان  
بزرگان و بزرگان  
میراث و میراث  
میراث و میراث  
میراث و میراث

عمر خود کرد صرف نشر علوم	بود از جودت طبیعت کرد
کرد تصنیف بس کتاب لطیف	بس نکات شریف افادت کرد
شد ز دار سخن ملول آخر	رفت در قبر خواب راحت کرد
نشسته جلش چو حسرت خواب	با تخی گفت استراحت کرد
قطعه آخری	
فاضل علامه سعد الله چون	آب جوی خلد خورد از جام موت
سعد تقناز اسنی این عهد بود	زان نظیر سعد شد تاریخ فوت
تاریخ خواندن حافظ تذکر الرحمن سلمه الله تعالی محراب ثانی ماه مبارک رمضان	
خواند محراب ثانی رمضان	نذر رحمن که عمر او بز یاد
کرد تاریخ آن رقم حسرت	ختم بار دوم بجان شاد
قطعه تاریخ ربانی امیر نصاحب	
تاب سرد نامی که ناشد امیر	خانوالا صاحب حج و زکوات
حکم جسد انعم از حکام یافت	چون گمان کردند او را از بیانات
داشت در مجلس اقامت چند سال	شده با امسال آن نیکو صفات

مصرع تاریخ آمد حسب حال	یافت از زندان بلطف حق بجاست ۱۲۹۳
قطعه تاریخ رحلت شاه ولی الله مرحوم واقعه پاز و هم ذیقعدہ شب دوشنبه	
در بیجا سالک راه حقیقت بیاد حق تعالی شاد می زیست کشید از پابرون قید نعلق سراپا راست حسرت گفت تاریخ	مدام از بادۀ توحید سر مست بسرعت رخت ازین فانی سربست وصال دوست اورا داد چون ستا چون نام خود ولی الله بود ست ۱۲۹۳
	قطعه دیگر
شد ز جهان شاه ولی الله باقف غیبی ز پے سال حبیل	سپید آتشین همه ذیقعدہ کردند داخل فردوس شده ۱۲۹۳
رباعی ششم تاریخ رحلت خواجہ محمد حسن مرحوم خلف خواجہ محمد ذاکر مغفور	
شد خواجہ محمد حسن از دارن چون بیماری بآن واحد جان داد	ایزد دادش بوسط جنت سکن تاریخ شد آه رفت در چشم زدن ۱۲۹۳
قطعه تاریخ رحلت عالم شاه نقشبندی مجددی	

<p>چو عالم شاه درویش حق آگاه نهاد آید پنهان تاریخ از غیب</p>	<p>پراز گلکهای جنت کرد دامن که عالم شاه جنت کرد بسکن</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت شیخ عنایت مرحوم در بنارس تاریخ سیر و هم رمضان المبارک شب جمعه</p>	
<p>عنایت شیخ کامل در بنارس چو رخش از تن خاک کے برآمد بتاریختن زانقب از سر آه</p>	<p>که چون مردان حق در راه دین رفت بر اوج عرش از روی زمین رفت نهاد آید بفر دوس برین رفت</p>
<p>قطعه تاریخ شفا یافتن حافظ نذر الرحمن سلمه الله تعالی از عارضه چک</p>	
<p>روح من دشنه نذر الرحمن از مرض آبجاسه بدر شافی مطلق چو شفا بخشیدش مصرع تاریخ من گفت سر و شس</p>	<p>باد مضمون از همه رنج و آفت دیدن نازک او ایس ز جنت گشت سبیل المش باراحت یافت ز بیماری چک صحت</p>
<p>قطعه تاریخ شادی ازدواج سید محمدی حسن خان عرف ممتاز نواب پسر سید محمد حسن خان صاحب عرف محمد نواب</p>	
<p>خدا راست منت که شاداب شد</p>	<p>ز ابر بھاری گلستان ما</p>



<p>کل عیش و زبیب و دامن ما          محمد حسن خان ذیشان ما          سدت فرای دل و جان ما          بجاه نبی و ائمان ما          که تزویج مهدی مسین خان ما</p>	<p>پیت گرم لطف یزدان فشانم          که مایجناب سیادت آب          بتزویج فرزند دل بسندش          مبارک بود یارب این ازدواج          دل دوستان سال تارنج گفت</p>
<p>قطعه اثری</p>	
<p>کش تاج دولت باد ایستارک          دارد سلامت سولی تبارک          شانانه فرمود الله ببارک          شانانه جشنی باشد مبارک</p>	<p>سید محمد نواب باندل          بتزویج مندرت ممتاز نواب          کرد و تکلف در جشن شادی          سالش رقم زد کلمک سعیدم</p>
<p>قطعه تارنج خفته پسران سید مبارک حسین صاحب خلف شاه          تبارک حسین صاحب</p>	
<p>آمده لفظ مبارک حسین          دو پسر راحت جان نور العین          سنت خفته هر دو افروین</p>	<p>سید پاک که در نام خوشش          دارد از فضل خداوند کریم          آشنه ناه صفت کرد و ادا</p>

سال تاریخ چوبستم ز سرگوش	بانگ ز وقت طفلان با زین
قطعه تاریخ ولادت با سعادت بدالدجی ولد شیخ شمس الضحیٰ بتاریخ نهم صفر شب آینه شنبه	
شمس الضحیٰ جوان خردمند خوش نصیب	بخشیدش از کریم پسر خالق کریم
تا میکہ سال مولدش از روی کند ظهور	الحام کرد حق با علم منظم سلیم ۱۲۹۵
قطعه دیگر	
در ملک وجود آمد یارب که همیشه باد تا بان اجباب بجزوے تاریخ از سمت پدربگوش حسرت	زیرا پسر کے بخوبی و ناز چون شمس ضحیٰ با وج اعزاز کردند بہ طرف نگ و تاز آمد خلف الرشیدم آواز ۱۲۹۵
قطعه تاریخ رحلت پر حسرت مولوی شاہ علی حبیب پھلواری قدس سرہ واقعہ تاریخ بست و ہفتم ربیع الاول روز دوشنبہ وقت عصر	
جوان رفت از جہان طریقت جان شیرین علی ان پس حبیب بنام آن ولی الحق	بعہدش وارث علم رسول نس و انجمن ملک تاریخ رحلت گفت اشتاقت از

<p>قطعه تاریخ مرن طوطی خانه پرورد بر بودن گریه واقعه نوزدهم جماد الاول روز پنجشنبه</p>	
<p>مراد در خانه گویا طوطی بود کسان را نام میبرد و میخواند بحق تسلیم جانرا کرد و تاریخ</p>	<p>که ذکرش بود روز و شب حق آمد ر بودش گریه خو خوار ناگاه رستم کردم در این طوطی ام ۱۲۹۵</p>
<p>قطعه دیگر</p>	
<p>طوطی خوشنوا سی سبز مرا گفت تاریخ خاطر غمگین</p>	<p>کرد چون گریه پدید بلاک با از ظلم گریه ناپاک ۱۲۹۵</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی شاه آل احمد پهلوار و قدس سره در مدینه منوره واقعه شانزدهم شعبان</p>	
<p>خوش آل احمد که در اهل علم نزیل مدینه بدان مدینه بهند آمد و باز در طیبه رفت چو آمد در آن بقعه مرگش سر ندا آمد از بهر سال وفات</p>	<p>محب صیبت انعت اوست که مردن در آن سوزین زنگوست که آنجا بپیرم همین آرزوست رشادنی نگنجد جانش بوست ز بافت سده بوست و یک دوست ۱۲۹۵</p>

قطعه تاریخ رحلت مولوی شاه عبدالغنی قدس سره  
 در ایام شنبه منوره واقعه ششم محرم روز شنبه

مولوی عبدالغنی اهل محدث  
 بود از اولاد مجددان بزرگ  
 که در بخت از سواد انجمن رسید  
 یافت آخر مهملان بقعه وفات  
 از محرم بود تاریخ ششم  
 چون ز خاصان خدای پاک بود

در طریق نقشبندی مقتدا  
 ذات او مستغنی از مدح و ثنا  
 در زمیند کرد باقامت سالها  
 در تبعیضش دفن کردند القیبا  
 روز سه شنبه که رفت تا این باجر  
 گشت سال حلقش خاص خدا

قطعه دیگر

مولانا عبدالغنی که بود هست  
 علم و عرفان وز بد و تقوی  
 زین دار فنا گذشت و دلها  
 حسرت تاریخ از سر آه

در صورت آدمی فرشته  
 در طینت او بجمهر شسته  
 از سوز عم و الم بر شسته  
 مولانا عبدالغنی نوشته

دیگر

پوشاه عبدالغنی محدث بیان زندگین

قلم با حساب سالش وصال عبدالغنی

قطعه تاریخ رحلت میرنثار حسین اقدم سیر محمد محرم روز و شبیه ۱۱۰۰ هجری

از محرم بر روز سیزدهم	رفت ازین غمگده نثار حسین
شده رحلتش در آن وقت آه	از دل و جان شده نثار حسین

قطعه تاریخ رحلت سید شاه تبارک حسین دوم اقدم هفتم صفر ۱۰۹۷ هجری

پوشه شاه سید تبارک حسین	زدنیا بگلزار حنست روان
دل از روی اخلاص تاریخ گفت	بهشت برین باد او را مکان

قطعه تاریخ رحلت مولوی شیخ محمد معانی رح

کرد رحلت ز جهان گذران	فاضله جامع انواع علوم
مولوی شیخ محمد نامش	خاص در گاه خدای قیوم
دل او محرم راز ایشان	جان او واقف تیر مکتوم
هج بیک سال بوفیق آله	کرده بود دین و انجمن
سال تاریخ وفاتش حسرت	گفته ام شیخ زیدم جوم

قطعه تاریخ ختنه ابو الفتح پسر میر محمد ابو سعید بکاه ربع الاول ۱۰۹۲ هجری

چون محمد ابو سعید شریف	صاحب بود در کعبه و سید
نغمه ختنه پسر انگیزت	شد طربناک سامع و واجد

گفت نامهید سال تاریخش

خفته طفل سید ماجد

قطعه آخری

چو خنده کرد ابو الفتح پاک گوهر را

ابو سعید که بحر کرم بود دلار سب

ادای منت سلام شد بسیار کباد

باین اب سه خنده گفت آفت غیب

قطعه تاریخ رحلت سر ایا حسرت میر ابو سعید واقعه بستم

ربیع الاخر روز یکشنبه

چون محمد ابو سعید که بود

سید نیکبوی پاک شربت

کرد رحلت جوان ازین عالم

دل مردم ز سوز سینه برشت

حسرت خسته گفت تاریخش

جای او باد گلستان بهشت

قطعه دیگر

آن سید اجل کند پیش کسی ندید

چون تاخت بر سرش اجل وزیر خاک خفت

خان بجاد را محمد ابو سعید

جزیاد او نمانده دلم سال فوت گفت

قطعه تاریخ رحلت سید محمد مارون واقعه بستم

ربیع الاخر روز یکشنبه

سید فرخنده محمد مارون

بادم لذات بجام او شد

سال وفاتش شمرم بادل	جنت فردوس مقام اوست
رباعی تاریخ رحلت مولوی هدایت الله پسر مولوی لایق علی مرحوم	
واقعه شب چهارم جمادی الاولیٰ روز چهارشنبه	
زخمیه برون هدایت الله زافان	شد خون ل خون عزیزان فراق
مشاق بخت و نعیمش می زیست	تاریخ وفات شد بخت مشناق
قطعه تاریخ رحلت میر امام الدین مرحوم	
کرد رحلت پنجهان مغضوباد	میر امام الدین جوان خوشخصال
از براسه این وقوع ناگزید	دوستان زاری کنان بستند
دل بدر آمد ز روی درد گفت	میر امام الدین جوان کرد انتیاد
قطعه تاریخ انتقال میر ارث علی سیفی مرحوم	
فرو بست چون میروارث علی	اب گوش خود را از گفت و گفت
بگوش دل سال رحلت سرش	بود وارث جنت عدن لغت
قطعه	
جان پاک سید سیفی لقب وارث علی	شد بروج آسمان تن ببری خاک
حسرت غمناک تاریخ از پی این واقعه	شانزده ماه حب آورد و شد جنت گفت
	۱۲۹۶

قطعه تاریخ رحلت مولوی غلام امام شهید واقعه

چهاردهم شوال روز پنجشنبه

بود غلام امام شاعر عالی کلام داشت تخلص شهید یافت قبول عظیم رحلت ازین خاک کدبان شور با سخن آن چون سنج حلقش خواست لم از روش	شهره اشعا او در همه عالم رسید عشق رسول کریم از سخن او پدید کرد بیوم انجمن چارده ماه عید گفت حیا با بدیا فقه انجاشهید
--	---

قطعه آخری

شاعر نامی شهید خوش کلام چون زد نیافت سال حلقش	کرد دل و جان بود تبر بان گفت حسرت کوشن اخوان نبی
--	---

قطعه تاریخ تعمیر مسجد اهد از سر نو

حکیم معالج حفاظت حسین بنا کرد این مسجد کهنه بمن باقی غیب تاریخ گفت	که توفیق خیرست و رافیق که واقع شده بر سر تهر طریق بنا طریقی لیت عتیق
--	--

قطعه آخری

که لبست سید حفاظت حسین	بعمیر این مسجد و نصیب
------------------------	-----------------------



عمارت ز نوکر و تاریخ شد		دگر کرد تعمیر مسجد بزیب
قطعه تاریخ ولادت قربان علی مشر ز ند ولایت		
شب عید الضحی که بر وز سه شنبه بود		
داد اینرد بولایت پسر	نام قربان علی شد اورا	
سنه مولد او از سرین	گو و لید شب عید الانحی	
تاریخ دیگر		
حکمر کنعنی در سال ولادت یافت		قربان علی آمد فرزند ولایت گفت
تاریخ ولادت پسر مولوی طفر امام		
بغالی کعبه ابن اختر حندا	عطا کرد فرزند خوش پیکر	
بتاریخ بر صحر روز گاه	عطار در قم زد بلند اختر	
نام تاریخی		
بر خور دارال احمد	سید رضی الدین سن	
قطعه تاریخ اتمام شنوی گلن بهشتی تصنیف شاه امین حمد		
صاحب تخلص به ثبات		
به سپهر کمالات شاه امین حمد	بنظر شنوی اهل دل گرفت قلم	

<p>توشت کرده خواجگان چشت دن چو رفت بر روش مثنوی میبخت عجب ار که نامش گل مثنوی شد تمام گشت چو این نامه خامه مینا</p>	<p>نگاشت منقبت بو العلابو چه تم ثبات کرد درین مثنوی تخلص هم که پیش او گل کشتی بقدر آمد کم گل بهشتی اهل دست کرد رقم</p>
<p>قطعه تاریخ رحلت حاجی میر اسمعیل علی واقع یازدهم ربیع الاول روز یکشنبه</p>	
<p>سید اسمعیل حاجی صاحب عذوق حسرت آینه تاریخ وفات آن بزرگ</p>	<p>جان پاکش بر فلک شد تن بر خاک خفت بختی شد پیر اسمعیل ما ایو ای گفت</p>
<p>قطعه دیگر</p>	
<p>سید پاک حاجی اسمعیل بود از اغنیای شکر گزار خلق از و راضی خدا چو مثنوی کرد چون انتقال از دنیا روز یکشنبه است و یازدهم سند رحلتش ز دار فنا</p>	<p>علی نکیام عالی شان موظات حضرت سبحان سعدن جو و منبع احسان یافت منزل برو فیضون ماه فوئش ربیع الاول آن گفت حسرت تقیم باغ جهان</p>

قطعه تاریخ اجعت شاه محمد علی صاحب حرین رضین

شاه یحیی سید عالی نسب

کز اب وجد واقف راز آمد

تج بیت اسد کرد و درین

باقبول تامد مساز آمده

گفت ل سال قله و موم که جا

با سلامت زفته و باز آمده

قطعه تاریخ انتقال مولوی علی کریم مغفور

واقعه یازدهم ربیع الاخر روز سه شنبه

چون محب نبی است کریم

شهره شهر و مشرق و مغرب

سوی فزونی رفت شد تاریخ

کرده رحلت علی کریم محب

قطعه تاریخ سفر میر محمد حسین صاحب اطلاع احد

میر محمد حسین بیرون رفت

از مکان خودش بطرز عجیب

خلق بیران که اختیار سفر

از چهره و کرد انصیب بصیب

سطح نیست تکلیف احباب

که بجا رفت آن حبیب بصیب

از مقامش نیافتند نشان

با همه جستجو عزیز و قریب

هر جا هست آن سفر کرده

یارش طیب عیش باو نصیب

سال این ماجرا چو پرسی بند

گفت پیروز عجیب و غریب

قطعه تاریخ رحلت مولوی محمد قاسم و مولوی احمد علی  
سہارنپوری و مولوی لطف اللہ رحمہم اللہ تعالیٰ

ایو اسے کہ مولوی محمد قاسم دردا کہ بشیر لکنؤ لطف اللہ کردند یکجاہ جمادے الاولے تاریخ وفات این بزرگان گھنٹہ	افسوس کہ احمد علی آن جبر زمان درد و مخالفان نہ ہب کوشان رحلت ز جہان بسوی گلزار جہان موت علما مصیبت عام بدان
---	--

قطعه تاریخ رحلت مولوی احمد علی محدث  
سہارنپوری پنجم جمادی الاولیٰ ۱۲۹۰ھ ہجری

عالم بمثل ستر آن و حدیث کرد رحلت چون ازین فانی مقام حسرت اندو گین تاریخ گفت	مولوی احمد علی نیکو سرشت طالبان راول ز سوز غم برشت جای او باد انگلستان ہشت
---	--

قطعه تاریخ رحلت خواجہ محمد اسمعیل معروف بہ چھوٹے خان  
صاحب واقعہ شب یازدہم ذی الحجہ شب و شنبہ ۱۲۹۰ھ ہجری

کرد رحلت ز چہان بی بستا بامحمد ساز اسمعیل صنم	خان والا شان رئیس خواجگان تا شود نام نکوے او عیان
--	--

صوری و ہم معنوی تاریخ فوت	یازده از ششم ذی الحجب بان
قطعه تاریخ انتقال مولوی واعظ الحق مرحوم واقع شانزدہم ذی الحجہ روز جمعہ ۲۹ شوال ۱۲۹۰	
چو شد مولوی واعظ الحق <sup>بمید</sup> مناسی او مرگ در مکہ بود و عاقبت تاریخ حسرت گفت	حرم حرم گشت ما و ای او بر آمد مراد و مناسب او کہ باشد ہشت برین جاو
قطعه تاریخ رحلت شیخ مظہر حسین بن شیخ محمد امین حرم	
رحلت مظہر حسین ابن امین کرد مخزون حسرت و حسرت	آن سرور سینہ و آن نور عین گفت تاریخش کجا مظہر حسین
قطعه تاریخ حفظ محمد اجمل حمیدی پسر مولوی علی اکرم صاحب آروی قرآن شریف را سلمہا اللہ تعالیٰ سی ام ذی الحجہ ۱۲۹۰	
حفظ قرآن محمد اجمل کرد دل کہ خواهد حق ترقی او	یارب از عہد علم باید حفظ گفت تاریخ اقرض و حفظ
حافظ محمد اجمل حمیدی سے مودودی	
قطعه تاریخ رحلت شاہ محمد عمر قدس سرہ واقع دوم ماہ محرم	

روز یکشنبه ۱۲۹۹ هجری بشهر رامپور

کرد رحلت بیجان سو بهشت جان  
بود یاران نام نیکویش محمد با عمر  
سه وع تاریخ شد جان و زرو ماه سال

وارث علم نبی شیخ مکرم آه آه  
در وفاتش هر کسی میگفت از غم آه آه  
یوم یکشنبه دوشنبه محرم آه آه

قطعه تاریخ رحلت ادر طریقت اروغ امام خان واقعه  
سوم ماه محرم روز دوشنبه مقام دانا پور

کرد رحلت امام خان ز جهان  
از محرم سوم دوشنبه روز  
گفت تاریخ فوت او حسرت  
ور شروع مبه مردم را  
میتوان گفت باد را بادا

خلق را ماند نام نیکش یاد  
وقت هیچ این معامله روداد  
با بفر دوس امام خان را باد  
در حساب سنین کنی نقاد  
بفورت الف ز شمع افتاد

قطعه آخری

داروغه امام خان که صفتش  
رحلت چون کرد سال فوتش

نتواند کرد هیچ واسف  
داروغه امام گفت با الف  
۱۲۹۹

رباعی

داروغه امام خان کزو بهر که و میر	راضی بودست یچمان شد کان
تاریخ رحیل او بگویم بود آه	از شهر کربلا م سووم و دوشنبه
قطعه تاریخ انتقال مولوی علی اعظم مرحوم	
سید تند دولت و جاه	عالم با عمل وجود و کرم
که علی اعظم آمد اورا نام	رفت سوی جنان ازین عالم
گفت تاریخ یافت از سر آه	سیدی مولوی علی اعظم
قطعه تاریخ رحلت مولوی شایسته نواز شمس سول قدس سره	
شکستور دین نواز شمس رسول	آرام و راحت ته خاک خفت
پو کردیم از سال رحلت سوال	ملک وارد جنت منله گفت
نام تاریخی سپه والاکهره ڈاکه غیاث الدین صاحب	
شہد ظہور الدین	
قطعه تاریخ شادی ازدواج حافظانہ الرحمن سلیمانہ لد تقالے	
واقع منحصم جمادی الاولے روز دوشنبه	
گنجد ابنت قاسم شہید شد	تذکر من نور چشم والدین
خواستم تاریخ عقد ازدواج	گفت دل ذاک قرآن لاسعدین

## رباعی

مذرا الرحمن چون کند اشدا قران

گشتند ازین نشاط چون گل خندان

کرد حساب جوان ز روی بهجت

تاریخ آمد زواج نذر الرحمن

قطعه تاریخ انتقال مولوی شاه احمد به مرحوم واقع

تاریخ بخت و نهم حماد و الاخری روز دوشنبه

جناب مولوی شاه احمد به

چو طلت کرد ازین دنیا سی فانی

هدایت کرد حقیق را بخالق

شبه روحش در آمد در خیالم

بدو گفتم ز حال خود خبر ده

ز روی افساطم گفت تاریخ

قطعه تاریخ شادی ازدواج شرعی شیخ عابد حسین صاحب

کاتب این دیوان مکتوباً و مطبوعاً

یافت مہ طلعت جوان عابد حسین

در شب بستم ز ما و عید فطر

که نامش در دلم نقش نگین است

جهانی از غمش اندوگین است

بلند آسمش میان اهل دین است

که رسم راه یاران اینچنین است

که جنت از برای متعین است

مقام ما بفر دوس برین است

بر طبق دین شرع حسن ازدواج

در کسی پرسد ز تو سال زواج



از دو واج پاستی تا سر اتمهاج	گو بیان شاد میمون باد آید
قطعه تاریخ رحلت حکیم احمد حسین خان مرحوم واقعه شب سیزدهم ذیقعد ۱۲۹۲ هجری	
سید احمد حسین خان حکیم بود قانون شیخ مخفوش هر زمان پیش چشم او حاضر روح پاکش با مرب هرگاه دل بنجو گفت تاریخش	داشت در علم طب ید کوه در حضور وی ایستاده شفا سبب علت و خواص و ا رفت بر آسمان سجح آسا ز جهان شد حکیم حاذق با
قطعه آخری	
گذشت و بانگویی ماند نامش بهشت جاودان با و امقامش	حکیم احمد حسین از دار دنیا دل تاریخ رحلت گفت الهام
قطعه تاریخ رحلت میر محمد سجاد قدس سره چاردهم ذیقعد ۱۲۹۲ هجری	
حضرت میر محمد سجاد حسرت خسته جگر تاریخش	سوی فردوس برین رفت ایوا گفت یکشنبه و ذیقعد های
قطعه دیگر حسب مایش میر محمد اکبر صاحب خلف الرشید سید مغفور	

شده است بدم عفان سید پاک  
 ز ترکیب همیشه بسجاده  
 هزار و دویست و سی یک کلامت  
 سه دقیقه و یکشنبه ده و چهار  
 اگر پسند سال انتقالش  
 سنین عمده آن مقبول باره

که کرده چارنج کعبه تراءه  
 عیان نامه خوش آن سالک راه  
 دوشنبه شب جب بست یک ماه  
 بود روز وفات آن حق آگاه  
 بگو داخل بحیات التفسیر آه  
 از سجاد آشکارا گشت درخواه

قطعه تاریخ واقعه شهادت محمد سلیم احمد خان عرف کمن خان

پنجم ذی الحجه ۱۲۹۵ هجری

بانگرا حادشه در نمازی پور  
 که زمیندار کلان کمن خان  
 مفسدان محله بر او آوردند  
 سال این واقعه شد از منبری

شده از گردش چرخ دوار  
 سیاه شد از سر بره امپ سوار  
 خون او ریخت گردن فرار  
 حیف گردن شمشیرش کفار

قطعه آخری

بوی خوش اخلاق صاحب مروت  
 بجور و دغا یافت غر شهادت

محمد سلیم احمد انخان وال  
 مقدسین بودش از حق تعالی

که در ناز و نعمت کند زندگانی بسال فاقش تا اگر در هفت	میان شهیدان بفر دوسر علی حیاتے دگر یافت او ترو سولے
قطعه دیگر	
کشته شد حیف سلیم احمد خان بر کشم آه و گویم تاریخ	خاطر جمع ز غم شد مینوش باد با شاه شهیدان مینوش
قطعه تاریخ مکتب نشینی غلام حسنین بن سید قطب الدین بن غاشی سید محمد نجم الدین صاحب	
بمکتب چون نشست از بهر تعلیم جوان بخت ابن قطب الدین سید بر سر تهنیت تاریخ گفتیم	بلند اقبال طغیلا ماه سیما فضیله نجم سعد دین و دنیا به مه داشت بمکتب رونق افزا
قطعه آخری	
کرده بودم بسلام حسنین تا شود عام ولادت پید حالی از سینه سال مکتب	پیش ازین لفظ و سبب را منضم نام از ان نام ز پیش و سبب کم ساختم لفظ محب با و سبب ضم
قطعه دیگر	

صبی ماه لغا خوردیده مردم	نوشت خواند چو آغاز کرد بسم
ز سنه صفر ز مهر و روزه جمعه بیست دوم	نوشت تک سعید از مرور تاریخش
<p>قطعه تاریخ رحلت مولوی حافظ ولایت علی مرحوم مرید و تلمیذ          سولانا سلامت الله قدس سره</p>	
عالم و حافظ کلام الله کرد و رحلت از اینجهان ناگاه	چون ولایت علی نیکو کار بصفر ماه و پنجشنبه روز
بود ایوان بیست و هشتم ماه	گفت تاریخ جلالت حضرت
<p>قطعه تاریخ رحلت میر عنایت حسین وکیل مرحوم واقع          تاریخ پنجم ربیع الاول شریف روز سه شنبه</p>	
جاس او بادستان بهشت یافته جنت فردوس نوشت	سید پاک عنایت حسین سال تاریخ وفاتش حضرت
<p>قطعه تاریخ رحلت حکیم سید فدا حسین گیلانی</p>	
مرد با مرگ فجایات آن طبیب لکهنو در عظیم آباد رحلت کرد آن مرد نکو	در شب آونیم پنجم از ربیع الاخر آه نامش کنیش شد مرکب از فدا و از حسین
موت ناگ از پی سوسن بود راحت	از تو پرسند حضرت سال تاریخ وفات

منشور است حضرت حافظ  
 و السلام علی صاحبها و آله  
 و سلم تاریخ وفات حضرت  
 و السلام علی صاحبها و آله  
 و سلم تاریخ وفات حضرت  
 و السلام علی صاحبها و آله  
 و سلم تاریخ وفات حضرت  
 و السلام علی صاحبها و آله  
 و سلم تاریخ وفات حضرت



سید پاک گم حضرت فضل الرحمن	کش کلاه غمگین و جاه تبارک باشد
گفتند اشک پیشش میر کشیل الرحمن	سور و لطف خداوند تبارک باشد
گفتند اخلاص گنبدین سال تروج که دوام	عقد تروج بز و جین مبارک باشد
قطعه تاریخ رحلت اهلخانید شاه محمد حسین قدس سره جده	
مولوی عبد القیوم صاحب اقصی ام ربيع الاخر روز سه شنبه	
مادر مادر عبد القیوم	کرد زین ارث مثل اشتر
گشت تاریخ وفاتش ابوال	سی ام ماه ربيع الآخر
قطعه تاریخ وفات ناراند خسباز	
سز ناراند ناپز شد چو از سبب فنا	خواست از دلها باران آتش غم آرد
گفت حسرت سالتش از درود دعا و التجا	با دتار آمد مرد از آب حمت ای آله
قطعه تاریخ انتقال سید کاظم حسین دانا پوری قدس سره	
سید عالی نسب کاظم حسین	کرد رحلت سوی جنات النعیم
کرد از تنزل حسرت اقتباس	سال تاریخش لهم اجر عظیم
قطعه ششم نام تاریخی دیوان	
لکامین جمع هذا النظم والنثر	بمحول الله وقد حصل الفراغ

أَرَدْنَا أَنْ نُؤَيِّدَ مَا رَقَمْنَا	فَمَتَيْنَا أَقْطَاسَ الْبِلَاعَةِ
قطعه تاریخ دستار فضیلت بر بستن شاه عبدالحق صاحب سجاد و نشین بھلوار سی	
دستار فضل بر سر بعد از فراع بر بستن از بسکه ساد گشتم سالش نه روی بخت	در حضرت بزرگان عبدالحق کرم ویرا بود مبارک دستار علم گفتم
قطعه تاریخ ولادت دختر نیک اختر حافظ نظیر احسن و حافظ نذر الرحمن داماد و پسر میر محمد حسین صاحب	
بخت میر محمد حسین و الاقصد ز اتعاق بروز سوم زمیلاش بنت بنت باین ابن داد حضرت حق مبارک این ولادت بود بخت آدم چو سال مولد هر دو ولد طلب کردم	عطا چو کرد خدا اجل شانہ دختر بخانه پسرش زاد مہر پارہ پسر با کبر اول و آخر بانکہ بود اصغر بجمله اہل قرابت خصوص جد و پدر ندار سید زانت کہ زہماند اختر
قطعه تاریخ ولادت دختر حافظ نظیر احسن صاحب مخصوص	
داد خلاق نظیر احسن سال مولد ز خرد پرسیدم	بنت مہر و کہ فرخندہ نمان کردش از مہ و تاریخ سوال

گفت یکشنبه ششم شوال	از مهر محمد پس از یازدهم
قطعه تاریخ ولادت نور الرحمن فرزند حافظ نذر الرحمن سلمه الله تعالی	
<p>خدا بر سر جو و افضال شد          ز رویش دل و دیده خوشحال شد          صبح امیدم نکو فال شد          طلوع اختر برج اقبال شد          سه شنبه دلا شمر شوال شد          ۱۱۹۹</p>	<p>بوالا کهر نذر رحمن ما          نخستین ولد زار زینبا پسر          ز خورشید بخسار آن مه جبین          ز ماوروان سیزده چون رسید          چو از سال میلاد کردیم حساب</p>
ایضا	
در کشور وجود نهاد از عدم قدم روز سه شنبه و مهر شوال و صبحم ۱۱۹۹	شکر خدا که تازه نهالی ز باغ جان شد وقت زور و سال مهر شانزدهم
قطعه تاریخ رحلت سید محمد حسن خان مرحوم عرف محمد نواب	
<p>دوست آل احمد مختار          سرو از باغ حسب رگزار          خان فی و الاقمتان فیض آثار          عرف آن مختشم بشهر و دیار</p>	<p>آن محب نبی و شاه نجف          شمع از دودمان مصطفوی          که محمد حسن بود نامش          گشته اسم محمد نواب</p>

مهر محمد نواب



<p>رفته نامش چو سکه در آفاق بعجل بر سرش رسیده اجل باد باران بنجاک مرقد او خامه تاریخ ز در قلم <sup>ع</sup></p>	<p>صیبت جو دوش سیده در امضا شد بر بر زمین دفین ناپجا روز و شب با بر رحمت غفا رفته پیش آئمه اطهار <sup>۱۲ ۹۹</sup></p>
دیگر	
<p>آه سید محمد نواب چارشنبه ز ماه عبد القدر بست و ششم جوان بحیثیت بیت</p>	<p>که نبودش درین زمان ندید از قضا جامه حیات درید سالش آمد بست و ششم <sup>۱۲ ۹۹</sup></p>
قطعه تاریخ رحلت مولوی حیدر علی صاحب منتهی الکلام شهید <sup>انوار</sup>	
<p>بهشت برین ز دار فنا فاضل کامل حمیده صفات صاحب منتهی الکلام که او سال رحلت مرورش گفت ایوا <sup>ع</sup></p>	<p>رفت حیدر علی حق آگاه عالم معبدیل عالیجابه شیعان را جواب خاطر خواه ناصر دین و مذہب حق آه <sup>۱۲ ۹۹</sup></p>
ایضا	
<p>اهل سنت مولوی حیدر علی</p>	<p>داخل کامل داشت در علم کلام <sup>ع</sup></p>

گفته حضرت سال تاریخ وفات	کرد رحلت زمین جهان پر فساد	جاسکے او شد روضہ دار السلام
قطعہ تاریخ انتقال مہرانا در حسین واقع غزہ ذی الحجہ روز یکشنبہ	میزرانا در حسین خوش صفات	شد بیخات العلی و برامقام
گفت دل تاریخ و او یلاہ و اسکا	کرد رحلت سورا رب المشرقین	انتقال میزرانا در حسین
قطعہ تاریخ رحلت حاجی امام علی - متوطن سرودہ بمکہ معظمہ است و دوم شنب جمعہ	نموہ امام علی حاجی مہاجر آہ	بمکہ رحلت شد ضعیف از خوش عملی
شمار تاسی شد دو تا و گوتاریج	امام متقیان بود حاج امام علی	امام متقیان بود حاج امام علی
قطعہ تاریخ رحلت شاہ لطیف علی عرف شاہ میانجان قلعہ سر	شاہ عرفان پناہ میانجان	کہ سلسلے از مرض کشید حرج
بھرتاریج بارگو ایواسکے	عاقبت از مضیق دار محن	بہشت آر مید و دید فرج
	سال او عقل گفت حیف آوا	جمعہ و بست و ہفتہ مہرج
		بہشت آر مید و دید فرج
		رباعی مناجات تضرع دعا می شفا و سال گرض

ای دادہ بہر کی نصیبہ وافی بیمارم و سال منیم این رود است	آنکہ کشود کار نامت کاسنی یا شافی اشفا ہے عاجل یا شافی
رباعی متضمن تاریخ بیماری و حصول اشفا	
لاحق جو بہن شد مرض جانفراکسا شد سال مرض شدیم مریض از سر ہم	از درد و الم شہ ماہ میگفتم واسے تاریخ اشفا عطا کرد خدا سے
قطعه تاریخ رحلت حافظ مکیو	
چو حافظ مکیو از دنیا ی فانی بگھا در بیگ خانرا مسجدی بہت بلال آسا اذانش است جان شب بہت ششم جمعہ مجرم سرش غیب در گوشہ کم گفت بیار اسم شریفش بعد حافظ	بدار جاودانی نقل فرمود دران مسجد موزون بود تا بود بدرگاہ خدا عمر سے جبین ہو وقوع ارتحالش سوی بنمود گرت سال و سالش مرست مقصود بگو حافظ مکی از بیجاکان بود
نظم مادہ مرقومہ در سلک ساعی	
حافظ مکیو کہ بود بی بیج شکے تاریخ وفات او شد از روی الم	در طاعت و فرمانبری حق سلکے حافظ مکیو ز صاحبان بودیکے

قطعه تاریخ ولادت پسر میر عبدالحسن صاحب نواسه خواجہ  
 باقر علی خان صاحب عرف بن صاحب

چون بدولت نانه عبدالحسن	زاد فرزند سعادت نوامان
نویشم دختر باقر علی	خان الاشان رئیس خواجگان
سال میلادش هجرتش بیست و یک گفت	صاحب اقبال با بخت جوان

قطعه تاریخ رحلت شاه ولایت علی قدس سره

شاه ولایت علی نیک صفای	کرد رحلت بسوی باغ بهشت
حضرت مسکین خرمین سال وفات	مسکن سے باغ جنان باد نوشت

قطعه آخری

در یفا شاه اقلیم ولایت	علی اشان قحلق دان حق آگاه
ازین محنت سرازشت سفر بست	بجنت یافت منر لگاہ دلخواہ
من سال وصالش گفت ہاتف	ولی واصل ذات و دو د آہ

تاریخ سوختن و مرگ واحد علی طفل گلابو در کلکتہ

مرد چون طفل گلابو در حسین	دل ز درد و غم بخون و خاک سخت
سال مرگش راجہ پرسیدم ازو	سوختہ واحد علی صد آہ گفت